



کمیسیون مستقل حقوق بشر:

۹۲ درصد آزمایش‌های نسایی زنان، بدون رضایت و حکم محکمه انجام شده است



کمیسیون مستقل حقوق بشر به تازه‌گی تحقیقی را در مورد «معاینات اجباری نسایی زنان» انجام داده است. براساس یافته‌های این گزارش، ۹۲٫۳ درصد آزمایش‌های نسایی زنان بدون حکم محکمه و رضایت آزمایش‌شده‌گان صورت گرفته است. این تحقیق در ۱۳ ولایت انجام شده و کمیسیون مستقل حقوق بشر معاینات اجباری نسایی از جمله معاینات پرده بکارت و معایناتی که برای اثبات تجاوز جنسی، زنا و لواط انجام می‌شود را غیرقانونی، تحقیرکننده و نقض کرامت انسانی دانسته است. کمیسیون مستقل حقوق بشر گفته است که انجام چنین معاینات، خلاف مفاد قواعد و مقررات بین‌المللی و مغایر منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون منع شکنجه است. هم‌چنان کمیسیون مستقل بشر گفته است که معاینات پرده بکارت از اعتماد علم طب برخوردار نیست، از این لحاظ انجام چنین آزمایشات باید ممنوع شود.



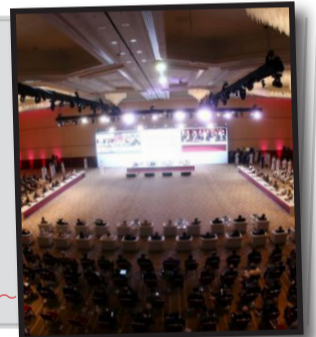
ایجاد دومین کمیته ضد منکرات؛

وزارت حج و اوقاف: نهادهای غیررسمی حق و صلاحیت تطبیق حدود شرعی را ندارند

توییت ترمپ؛ هدشار برای افغانستان و منطقه

بازی گران صلح افغانستان و ریسمان امارت و جمهوریت!

پس از آن که ایالات متحده آمریکا با گروه طالبان تفاهم‌نامه‌ی صلح را امضا کرد، گفت‌وگوهای بین‌الافغانی که یکی از مهم‌ترین بخش‌های موافقت‌نامه طالبان-آمریکا را تشکیل می‌داد، با تاخیر هشت‌ماهه به صورت رسمی آغاز شد. از آغاز مذاکرات بین‌الافغانی بیش تر از سه هفته می‌گذرد، ولی تاکنون دو طرف بر سر تدوین کارشویه گفت‌وگوها به تفاهم نرسیده‌اند.



هدشار ارتش به طالبان: اگر صلح نکنید کشته می‌شوید



مقام‌های امنیتی در غرب کشور از آماده‌گی‌ها برای تأمین امنیت این حوزه خبر می‌دهند. آنان باور دارند که نیروهای امنیتی کشور، پس از خروج نیروهای آمریکایی، توانایی تأمین امنیت ولایات غربی کشور را دارند و اجازه نمی‌دهند که طالبان آرامش مردم را برهم بزنند. بر پایه اطلاعات مقام‌های ارتش در غرب کشور، پس از راه‌اندازی عملیات‌های پاک‌سازی در مناطق ناامن، همین اکنون وضعیت امنیتی در چهار ولایت غربی بهتر شده است.

در انفجار ماین در سرپل ۱۰ سرباز ارتش و سه غیرنظامی کشته شدند

۸ صبح، کابل: در پی انفجار ماین کنار جاده‌ای در ولایت سرپل ۱۰ سرباز ارتش و سه غیرنظامی کشته شده‌اند.

این رویداد روز شنبه، نهمم میزان رخ داده است. سه سرباز ارتش در این انفجار زخمی شده‌اند. یک منبع امنیتی در ولایت سرپل در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که یک کاروان نیروهای ارتش که از ولسوالی سوزمه قلعه به سمت مرکز سرپل در حرکت بود، ابتدا با ماین کنار جاده‌ای برخورد کرده است و سپس جنگ‌جویان گروه طالبان بر آن‌ها حمله کرده‌اند.

منبع افزود، ممکن است که در درگیری‌ها به جنگ‌جویان گروه طالبان نیز تلفات وارد شده



سرپرست وزارت امور داخله به پولیس: با مجرم روبه‌رو شدید، شلیک کنید



با کسانی که به مقاومت مسلحانه علیه پولیس می‌پردازند، مقابله و بر آن‌ها شلیک کنید، کسی حق معرفی پولیس به دادستانی را ندارد.

وزارت امور داخله پیش از این نیز به پولیس دستور داده بود که در برخورد مجرمان قاطعیت به خرج دهد و در صورت مقاومت بر آن‌ها شلیک کند.

در این اواخر اما، شکایت‌ها از افزایش جرایم جنایی، ترورهای هدفمند و انفجار ماین‌های چسپکی در شهر کابل اوج گرفته است.

حکومت برای جلب همکاری مردم در تأمین امنیت طرحی «میثاق امنیتی» را در شهر کابل اجرایی کرده است.

به نظر می‌رسد که این طرح نیز در جلوگیری از جرایم جنایی در شهر کابل موثر نبوده است. پولیس در مدت یک ماه و نیم گذشته حدود ۸۰۰ تن را به ظن ارتکاب جرایم جنایی بازداشت کرده است.

۸ صبح، کابل: محمدمسعود اندرابی، سرپرست وزارت امور داخله به نیروهای پولیس دستور داده است که در برخورد با مجرمان و کسانی که به مقاومت مسلحانه با پولیس می‌پردازند، قاطعانه برخورد کنند.

سرپرست وزارت امور داخله در بازدید از حوزه پنجم شهر کابل که از نظر پولیس یک «ساحه جرم‌زا» است، در صحبت با پولیس می‌گوید: «وقتی که با مجرمان روبه‌رو شدید، بزنید، اصولش را خود می‌دانید، در کجایش بزنید.»

اندرابی شنبه‌شب، نهمم میزان از حوزه پنجم امنیتی شهر کابل بازدید کرده است. ویدیوی گفت‌وگوی اندرابی با مسوولان این حوزه از سوی وزارت امور داخله هم‌رسانی شده است.

محمدمسعود اندرابی تأکید کرده است که اگر کسی که در مورد شلیک پولیس بر مجرمان دعوا کرد، دعوایش با وزارت امور داخله خواهد بود.

اندرابی گفت که به ریاست امنیت داخلی وزارت امور داخله دستور داده است که هیچ منسوب پولیس را به دادستانی معرفی نکند، مگر این‌که به شخص او گزارش داده باشد.

سرپرست وزارت امور داخله تأکید کرد که اگر پولیس

۶۵ سال تجربه هوانوردی



داریانا افغان هوائی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

www.flyariana.com
+93 (0) 790 07 1333
خدمات مشتریان | 1333





دو عضو پارلمان به اتهام لتوکوب معاون والی بادغیس به سارنوالی معرفی شدند



محمد حسین نیکخواه

سندهایی که در اختیار روزنامه ۸ صبح قرار گرفته نشان می‌دهد که دو نماینده بادغیس در مجلس نماینده‌گان، به اتهام لتوکوب معاون والی این ولایت از سوی اداره مستقل ارگان‌های محلی، به سارنوالی معرفی شده‌اند.

بر مبنای این اسناد، رییس اداره مستقل ارگان‌های محلی، از لوی سارنوالی کشور خواسته تا برای جلوگیری از مداخله «زورمندان قانون‌گریز» در امور حکومت‌داری محلی، این افراد را مورد پی‌گرد قانونی قرار دهد.

معاون والی بادغیس با ارسال گزارشی به اداره مستقل ارگان‌های محلی که نسخه‌ای از آن به لوی سارنوالی فرستاده شده است، ادعا دارد که دو نماینده بادغیس در پارلمان و همراهان آنان وی را داخل دفتر کارش لتوکوب نموده و به زور از ساختمان ولایت اخراج کرده‌اند.

در گزارشی که از چگونگی وقوع رویداد توسط معاون والی بادغیس به اداره مستقل ارگان‌های محلی ارسال شده و این نهاد آن را به لوی سارنوالی فرستاده است، نام‌های ضیاءالدین اکازی و امیرشاه نایب‌زاده، نماینده‌گان بادغیس در پارلمان و دو برادر امیرشاه نایب‌زاده، به عنوان عاملان لتوکوب او ذکر شده است.

شمیم خان کوتوازی، رییس اداره مستقل ارگان‌های محلی، در مکتوب شماره «۴۹۲/۳۷۸» به تاریخ ۱۳۹۹/۷/۱۶ لوی سارنوالی کشور درخواست کرده تا دو تن از نماینده‌گان بادغیس در پارلمان و همراهان‌شان را در پیوند به «تعرض بر دفتر ولایت بادغیس» مورد پی‌گرد قانونی قرار دهد.

در بخشی از متن این مکتوب آمده است: «به منظور تطبیق قانون، حاکمیت ملی و جلوگیری از تکرار مداخله انسان‌های زورمند و قانون‌گریز در امور حکومت‌داری محلی، ذوات شامل گزارش‌ها را که مرتکب عمل شنیع مشهود شده است، به ارگان‌های عدلی و قضایی معرفی خواهند فرمود.»

اداره مستقل ارگان‌های محلی هم‌چنان گزارش معاون والی بادغیس در مورد لتوکوب و اخراج او از ساختمان ولایت توسط نماینده‌گان پارلمان و هواداران آنان را نیز به لوی سارنوالی کشور فرستاده است.

فیض محمد میرزآزاده، معاون والی بادغیس، در مکتوب شماره «۶۲۳» به تاریخ ۱۳۹۹/۵/۳۰ به اداره مستقل ارگان‌های محلی نگاشته است که دو تن از نماینده‌گان بادغیس در مجلس نماینده‌گان با شماری از همراهان‌شان بر دفتر ولایت تعرض کرده‌اند. ضمیمه این مکتوب، جزئیات کامل رویداد در گزارشی کتبی به اداره ارگان‌های محلی ارسال شده است.

شده است. در گزارش معاون والی بادغیس که از سوی اداره مستقل ارگان‌های محلی به لوی سارنوالی فرستاده شده و نسخه‌ای از آن در اختیار روزنامه ۸ صبح قرار گرفته است، ادعا شده که دو عضو پارلمان در حضور مردم و فعالان مدنی معاون والی را لتوکوب و توهین کرده‌اند.

به روایت معاون والی بادغیس، اعضای پارلمان و هواداران‌شان ساعت ۱۰ صبح سی‌ام اسد سال ۱۳۹۹ خورشیدی با داخل شدن به خط «رنوی» میدان هوایی شهر قلعه نو مرکز این ولایت، مانع نشست هواپیمای جمعه‌گل همت، والی جدید بادغیس شدند و ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه صبح همان روز، به دفتر ولایت حمله کردند.

این مقام محلی در گزارش ارسالی به اداره مستقل ارگان‌های محلی توضیح داده که یکی از نماینده‌گان پارلمان او را «دشنام ناموسی» داده و ضمن لتوکوب و برخورد شدید فیزیکی، به سوی «بشقاب پرتاب» کرده است.

به ادعای او، یک نماینده دیگر بادغیس در پارلمان با ضربه‌های لگد وی را لتوکوب و با همراهی دو تن از برادرانش، او را از منزل دوم ساختمان ولایت تا منزل هم‌کف زیر «پاهایش لگدمال» نموده و در نهایت از ساختمان ولایت به زور اخراج کرده است. آقای میرزآزاده هم‌چنان مدعی است که هنگام تعرض نماینده‌گان پارلمان به ساختمان ولایت و لتوکوب او، محمد محفوظ ولی‌زاده فرمانده پولیس، شیرآقا الکوزی آمر امنیت فرماندهی پولیس، ابوبکر مرادی معاون و سرپرست ریاست عمومی امنیت ملی بادغیس و حاجی ملا فرمانده کدک ریزرف عملیاتی حضور داشتند، اما برای دفاع از وی اقدام نکردند.

نماینده‌گان بادغیس در مجلس نماینده‌گان، گفته‌های معاون والی را بی‌اساس می‌دانند. ضیاءالدین اکازی، عضو مجلس نماینده‌گان، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که فیض محمد میرزآزاده، برای کسب شهرت و ایجاد مانع در برابر دادخواهی مردم، ادعا کرده که از سوی اعضای پارلمان لتوکوب شده است.

آگاهان امور حقوقی باور دارند، بر اساس قانون، اعضای مجلس نماینده‌گان تنها در زمان اجرای وظیفه رسمی در مجلس، مصونیت قضایی دارند، اما توهین، تحقیر و لتوکوب افراد، شامل آن نمی‌شود و هر فرد می‌تواند از اعضای مجلس نماینده‌گان به نهادهای عدلی و قضایی شکایت کند.

احمد رفیع نادری، رییس انجمن مستقل وکلای مدافع هرات، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید سوء رفتار و لتوکوب کارمندان حکومت در قانون جرم‌انگاری شده و عاملانش بر مبنای قانون مجازات می‌شوند. به گفته‌ی او، سوء رفتار با کارمندان دولت به تنهایی جرم محسوب می‌شود و جراحت کارمند به دلیل لتوکوب جرمی جداگانه است.

پس از حدود یک ماه اعتراض‌های مردمی در بادغیس، رییس جمهور غنی در تاریخ پنجم میزان، در حضور رییس اداره مستقل ارگان‌های محلی، در ارگ ریاست جمهوری با نماینده‌گان بادغیس در پارلمان دیدار و به آنان وعده داد به خواست‌های‌شان رسیده‌گی می‌شود.

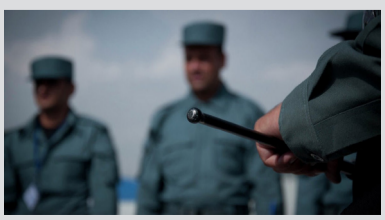
در این نشست، دو تن از نماینده‌گان بادغیس در مجلس نماینده‌گان که معاون والی مدعی است توسط آنان لتوکوب شده و در مکتوب اداره مستقل ارگان‌های محلی، به لوی سارنوالی معرفی شدند هم حضور داشتند، اما مشخص نیست که در این جلسه به لتوکوب معاون والی و ممانعت از معرفی والی جدید اشاره شده یا خیر.

در پی تقرر جمعه‌گل همت، به عنوان والی جدید بادغیس، نماینده‌گان این ولایت در پارلمان، آن را وعده خلافی رییس جمهور به مردم بادغیس دانسته و اعتراض‌های گسترده‌ای در شهر قلعه نو مرکز این ولایت راه‌اندازی کردند. در جریان این اعتراض‌ها حدود یک‌ماه دروازه ولایت از سوی معترضان بسته شد.

در حالی که معاون والی بادغیس، افرادی که او را لتوکوب کرده‌اند را به چپاول، غارت‌گری، ایجاد بی‌نظمی و سرقت کمره‌های امنیتی ساختمان ولایت متهم می‌کند، اما نماینده‌گان بادغیس در پارلمان که رهبری اعتراض‌های مردمی را بر عهده داشتند، این ادعاها را بی‌اساس می‌دانند.

در حمله طالبان در ولسوالی بگرام پروان یک سرباز پولیس جان باخت

۸ صبح، کابل: مسوولان محلی در ولایت پروان می‌گویند که در نتیجه حمله طالبان بر رنجر پولیس در ولسوالی بگرام این ولایت، یک سرباز پولیس کشته و یک افسر دیگر زخمی است. عبدالشکور قدوسی، ولسوال بگرام در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که جنگ‌جویان گروه طالبان ساعت ۹:۲۰ روز یکشنبه، بیستم میزان بر یک عراده موتر نیروهای پولیس در روستای کچی حاجی‌ها از مربوطات ولسوالی بگرام تیراندازی کرده‌اند. به گفته او، در این تیراندازی، یک سرباز پاسگاه کچی حاجی‌ها جان باخته و فرمانده این پاسگاه، زخمی شده است. گروه طالبان در این مورد چیزی نگفته است.



ثبت نزدیک به ۱۰۰ مورد تازه ابتلا به ویروس کرونا در کشور



در زابل ابتلای‌شان به ویروس کرونا تثبیت شده است. در یک شبانه‌روز گذشته ۵۰ بیمار کووید-۱۹ نیز بهبود یافته‌اند. شمار کل مبتلایان به کرونا در کشور به ۳۹ هزار و ۷۹۹ تن رسیده است. از این میان تاکنون یک هزار و ۴۷۷ تن جان باخته و ۳۳ هزار و ۱۱۴ تن بهبود یافته‌اند. در حال حاضر، پنج هزار و ۲۰۹ بیمار کرونایی در کشور فعال هستند. وزارت صحت عامه از آغاز تاکنون ۱۱۴ هزار و ۴۳۲ نمونه مشکوک به کرونا را بررسی کرده است.

۸ صبح، کابل: وزارت صحت عامه آخرین جزئیات وضعیت ابتلا به ویروس کرونا در کشور را اعلام کرد.

طبق اعلام وزارت صحت عامه، در یک شبانه روز گذشته ۹۶ بیمار جدید کووید-۱۹ شناسایی شده‌اند و چهار بیمار دیگر نیز جان باخته‌اند. این نتیجه از آزمایش ۴۷۵ نمونه مشکوک به کرونا به دست آمده است.

طبق اعلام وزارت صحت عامه، ۶۱ نفر در هرات، ۱۱ نفر در دایکندی، ۱۱ نفر در پروان، چهار نفر در بامیان، سه نفر در بغلان، سه نفر در بادغیس، یک نفر در کابل، یک نفر در پکتیا و یک نفر دیگر

ناامنی‌ها چرا علاجی ندارند؟ نیاز به بررسی‌های عمیق پدیده جرم و جنایت

هر چند وزارت امور داخله می‌گوید که با طرح و اجرای میثاق امنیتی، شماری از باندهای جنایت‌کار، قاتلان و زورگویان و هم‌چنان قاچاقچی‌های مواد مخدر بازداشت شده‌اند، اما واقعیت روزمره زندگی مردم در کلان‌شهرهای افغانستان می‌رساند که جرم و جنایت هنوز هم ادامه دارد و ظاهراً به دشواری لاعلاجی بدل شده است.

به گونه نمونه مردم در شهر هرات از دزدی، آدم‌ربایی و ترور به جان آمده‌اند. فرماندهی پولیس هرات از بازداشت ۷۹۰ تن به ظن دست‌داشتن در رویدادهای گوناگون امنیتی خبر داده است. در شهر کابل هرچند شمار واقعه‌های ناشی از مابین‌های مقتنایسی کم شده است، اما هنوز هم انفجارها با مابین مقتنایسی از مردم قربانی می‌گیرد. جرایمی مثل دزدی و تهدید ادامه دارد.

حکومت افغانستان باربار برنامه‌های گوناگونی را امتحان کرده است، اما جرایم به سطح قناعت‌بخشی کاهش نیافته‌اند. برنامه میثاق شهروندی عملی شده است و بر اساس گزارش‌های وزارت داخله مردم به گونه بی‌پیشینه‌ای در گزارش‌دهی از جرایم فعال شده‌اند. بر اساس این گزارش‌ها در شهر کابل صدها مجرم بازداشت شده‌اند.

چیزی که روشن است، اما این است که با وجود فعالیت‌های ارگان‌های امنیتی و کشفی هنوز هم ارتکاب جرایم در شهرهای بزرگ افغانستان یک واقعیت انکارناپذیر است. در تازه‌ترین مورد، وزیر امور داخله برخورد با جنایت‌کاران را شدت بخشیده است و به پولیس صلاحیت شلیک بر مجرمان داده است.

با وجود نگرانی‌هایی درباره این حکم، اما امید می‌رود که جنایت‌کاران که با شجاعت عجیبی دست به جنایت می‌زدند، اندکی از نیروهای تنفیذ قانون بهرآسند و مردم افغانستان شاهد کاهش جرم و جنایت در شهرها باشند.

آنچه مسلم است این است که بدون امنیت جریان عادی زندگی مختل می‌گردد. مردم در شرایط ناامنی کنونی نمی‌توانند با دل‌گرمی به کاروبار روزمره‌شان بپردازند. در صورت تشدید این تهدیدها سرمایه‌ها از کشور فرار می‌کنند و کاهش سرمایه‌گذاری روی وضعیت اشتغال و زندگی مردم اثرات ویران‌گری خواهد گذاشت.

حقیقت دیگری که نباید از آن گذشت، این است که در افغانستان میان افزایش جرم و جنایت و از دست رفتن فرصت‌های شغلی و سطح درآمد مردم رابطه مستقیم وجود دارد. در کنار تدابیر سخت‌افزاری و بالا بردن فشارها بر مجرمان، باید درباره پدیده جنایت تحقیقات جدی صورت گیرد.

ناممکن است که با کاربرد تنها زور و قوه، پدیده جنایت و جرم از کشور ریشه‌کن شود، هر چند هرگز نباید از حفظ فشارها بر مجرمان دست کشید. با این وجود، نیاز است تا پدیده جرم ریشه‌یابی شود و علل اجتماعی آن نیز بررسی گردد.

در دو دهه اخیر، وقوع جرایم سیر صعودی داشته است. حد اقل در یک دهه اخیر، جرایم افزایش یافته است. بر همه‌گان هویدا است که در آغاز تحولات جدید، پس از حکومت طالبان که میزان سرمایه‌گذاری، حضور نهادهای بین‌المللی و کمک به افغانستان بیش‌تر بود، اوضاع جرم و جنایت بدین منوال فاجعه‌بار نبود. با بدتر شدن اوضاع امنیتی و با کم‌شدن کمک‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی‌ای که هزاران شغل را ایجاد کرده بودند، پدیده فقر و بی‌کاری در کشور افزایش یافت و به همان پیمانه میزان جرم و جنایت نیز بالا رفت. مسلم است که میان اوضاع اقتصادی کشور، سطح درآمد و اشتغال و پدیده جرم و جنایت رابطه مستقیمی برقرار است. از سوی دیگر عوامل روانی جرم را در کشوری که فرهنگ آن در بستر خشونت‌تاریخی شکل گرفته است، نباید نادیده گرفت.

رییس جمهور افغانستان چندی پیش در بیانیه‌ای گفت که ۹۰ درصد مردم افغانستان در شرایط فقر زندگی می‌کنند. در شرایطی که ۹۰ درصد مردم افغانستان با فقر دست‌وپنجه نرم می‌کنند، چگونه می‌توان به داشتن جامعه امن امید بست؟

هر چند بخشی از مشکلات اقتصادی کشور با تحولات یک دهه اخیر پیوند دارد، و این تحولات که باعث بد شدن اوضاع اقتصادی کشور گردید و تا جایی مربوط به عوامل بیرونی موثر در اقتصاد افغانستان می‌شد، اما این‌ها سبب نمی‌شود که حکومت افغانستان از مسوولیت شانه خالی کند. حکومت افغانستان باید هم در زمینه اشتغال‌زایی با اجرایی کردن پروژه‌های اقتصادی و هم در زمینه کاهش فساد در ادارات درآمدزای افغانستان، اقدامات جدی‌ای را روی دست گیرد.



حسب بهار

مقامها در ولایت شرقی ننگرهار از ایجاد یک کمیته «ضد منکرات» در این ولایت خبر داده‌اند. به گفته مسوولان، این کمیته بر اساس رهنمود ضیاءالحق امرخیل، مشاور ریاست جمهوری و والی ننگرهار آغاز به کار کرده است و مسوولیت دارد که از هرگونه منکرات در این شهر جلوگیری کنند. در حالی که مسوولان می‌گویند، با مرتکبان متناسب با «قانون اساسی» برخورد می‌شود، اما برخی از اعضای این کمیته تصریح کرده‌اند که در این جریان، حدود شرعی نیز بر دزد، قاتل و شراب‌خوار اجرا می‌شود. این دومین مرجع زیر نام «کمیته امر بالمعروف و نهی از منکر» است که در جریان ماه اخیر در کشور ایجاد می‌شود. وزارت ارشاد، حج و اوقاف اما از ایجاد این گونه کمیته‌ها اظهار بی‌خبری می‌کند. به گفته مسوولان، این وزارت یک ریاست زیر «احتساب» دارد که مبارزه با منکرات را عهده‌دار است و بر اساس «شیوه حکیمانه اسلام» عمل می‌کند. با این حال، مقامات در این وزارت می‌گویند که از ایجاد کمیته‌های «امر بالمعروف و نهی از منکر» اطلاع ندارند و بخشی از تشکیل این نهاد نیز شمرده نمی‌شود.

نهادهای محلی در ننگرهار کمیته‌های را زیر نام «امر بالمعروف و نهی از منکر» ایجاد کرده‌اند. مقام ولایت ننگرهار نیز تأیید کرده است که این کمیته مبتنی بر رهنمود ضیاءالحق امرخیل، مشاور ریاست جمهوری و والی ننگرهار ساخته شده است. به گفته مسوولان در این ولایت، این کمیته مسوول است که از «منکرات» در این ولایت جلوگیری کرده و پیرامون آن به مردم آگاهی دهند. محمدداود مجاهد، رییس ارشاد، حج و اوقاف ننگرهار به روزنامه ۸ صبح گفت که این کمیته روز شنبه، نهمین میزان به کارش در ناحیه دوم این ولایت آغاز کرده است. وی افزود که عالمان دینی،

ایجاد دومین کمیته ضد منکرات؛

وزارت حج و اوقاف: نهادهای غیر رسمی حق و صلاحیت تطبیق حدود شرعی را ندارند

پولیس، بزرگان قومی و برخی دیگر از نهادها عضویت این کمیته را دارند و اعضای آن مکلفاند که از وقوع منکرات در این ولایت پیشگیری کنند. به گفته‌ی آقای مجاهد، به عالمان دینی و جوانان وظیفه سپرده شده است تا از طریق این کمیته، برای مردم در راستای حفظ جان‌شان آگاهی بدهند. رییس ارشاد، حج و اوقاف ننگرهار هم‌چنان می‌گوید که به مسوولان امنیتی وظیفه سپرده شده است تا به عنوان قوه‌ی اجرایی در راستای «جلوگیری از منکرات» اقدام کنند. این ریاست هشدار داده است که در صورت سرپیچی از اصول و مقررات این کمیته، به فرد مرتکب، جزای قانونی داده می‌شود. عطاءالله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار نیز تصریح کرده است که به مرتکبان مبتنی بر قانون اساسی برخورد خواهد شد. با این حال اما یک عالم دین که عضویت این کمیته را دارد، به شرط فاش نشدن نامش، به خبرنگار روزنامه ۸ صبح گفته است که در چارچوب این کمیته، بر اساس قانون اسلامی برخورد می‌شود. بدین ترتیب، وی تصریح کرد که در صورت ثبت مواردی از دزدی، دست دزد قطع شده و افزون بر این، قاتلان قصاص و شراب‌خوران نیز دره زده خواهند شد.

در جریان روزهای اخیر، این دومین «کمیته ضد منکرات» است که در کشور ایجاد می‌شود. پیش از این، مجیب‌الرحمان انصاری، خطیب یکی از مساجد هرات نیز چنین اداره‌ای برای «امر بالمعروف و نهی از منکر» ایجاد کرده بود. وی هشدار داد که با مجرمان برخورد جدی می‌کند و حدود

شرعی را بر آنان جاری می‌سازد. افزون بر این، ریاست ارشاد، حج و اوقاف هرات نیز از آغاز کار بخش ارشاد این نهاد خبر داده بود. مسوولان در این ریاست اما گفته بودند که کارمندان امریت ارشاد تنها مسوولیت آگاهی‌دهی دینی را به پیش می‌برند. بنیان‌گذاران نهادهای «امر بالمعروف و نهی از منکر» دلیل ایجاد این بخش را «کنترل جرایم و جلوگیری از منکرات» در سطح شهر خوانده‌اند. بدین ترتیب، کمیته‌های «امر بالمعروف و نهی از منکر» در واقع تشکیل متوازی با وزارت ارشاد، حج و اوقاف است که به فعالیت آغاز کرده‌اند. در همین حال، وزارت ارشاد، حج و اوقاف می‌گوید که این نهاد از ایجاد چنین کمیته‌هایی بی‌خبر است و چنین نهادی در تشکیل این وزارت وجود ندارد. امین‌الدین مظفری، معین مسلکی این وزارت روز یک‌شنبه، بیستم میزان به روزنامه ۸ صبح گفت که این وزارت در تشکیل ریاستی زیر نام «احتساب» دارد که وظیفه آن «مبارزه با منکرات» است. وی افزود که این ریاست از دیر زمانی فعالیت می‌کند و شیوه آن، «مبارزه با منکرات و دعوت به نیکی» در «پرتو ارشادات حکیمانه دین اسلام» است. وی اما در ادامه تصریح کرد که وزارت ارشاد، حج و اوقاف از ایجاد کمیته‌های جدید زیر نام «امر بالمعروف و نهی از منکر» بی‌خبر است و در واقع این نهاد در تشکیل آنان نیز جای ندارد. آقای مظفری در پاسخ به این که باید چگونه با «منکرات» برخورد شود، گفت که این موارد در کد جزای کشور صراحت یافته است. به گفته وی، در کد جزا آمده است که جرایم و جزایهای تعزیری را

قانون تنظیم می‌کند و مرتکبان جرایم حدود، قصاص و دیت مطابق به احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می‌شوند. امین‌الدین مظفری در ادامه تصریح کرد که مراجع عدلی و قضایی برای تنفیذ این موضوعات متناسب به فقه اسلامی و قوانین مامور شده‌اند. وی اما می‌گوید که تطبیق حدود و قصاص از صلاحیت‌های حکومت و نظام است و هر فردی نمی‌تواند آن را تطبیق کند. به گفته آقای مظفری، حدود در قوانین وجود دارد، اما فراهم بودن جنبه‌های تطبیقی آن مسایل جداگانه است که با در نظر داشت قوانین نافذ کشور پی‌گیری می‌شود. معین مسلکی وزارت ارشاد، حج و اوقاف به این باور است که نهادهای تازه‌تأسیس بیش‌تر جنبه دعوتی دارند، اما جنبه تطبیقی آن از صلاحیت حکومت شمرده می‌شود.

کمیته‌هایی زیر «امر بالمعروف و نهی از منکر» در حالی ایجاد می‌شود که مذاکرات بین‌الافغانی در قطر ادامه یافته است. گفتنی است که گروه طالبان در حال حاضر بر موضوع تطبیق شریعت اسلامی در کشور تأکید دارند و پیش‌فرض‌شان از نظام آینده، یک «نظام سچه اسلامی» است. در همین حال، برخی از فعالان هشدار داده‌اند که ایجاد چنین کمیته‌ها، روحیه افراطیت را در کشور تقویت می‌کند و مردم را به دوره طالبانی می‌کشاند. این فعالان هم‌زمان با ایجاد «اداره امر بالمعروف و نهی از منکر» در هرات، از حکومت خواسته بودند که از فعالیت نهادهای غیررسمی که بنای افراطیت در جامعه را می‌نهند، جلوگیری کند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر:

۹۲ درصد آزمایش‌های نسایی زنان، بدون رضایت و حکم محکمه انجام شده است

بکارت یا اثبات تجاوز جنسی، زنا و لواط معرفی شده‌اند، جمع‌آوری شده است.

اتهامات وارده

نخستین پرسش کمیسیون مستقل حقوق بشر از زنان مصاحبه‌شونده، در مورد اتهامات وارده بر آنان بوده است. از میان ۱۲۹ مصاحبه‌شونده، ۶۰ تن (۴۶٫۵ درصد) در پاسخ به این پرسش گفته‌اند که زنا، ۳۱ تن (۲۴ درصد) فرار از منزل، ۲۳ تن (۱۷٫۸ درصد) قتل، سه تن (۲٫۳ درصد) سرقت، سه تن (۲٫۳ درصد) قاچاق، دو تن (۱٫۶ درصد) اطلاع دروغین و یک تن که ۰٫۸ درصد را شامل می‌شود، فرار از منزل را به عنوان اتهام‌هایی یاد کرده‌اند که سبب معرفی آنان به طب عدلی شده است. به همین ترتیب شش تن که ۴٫۷ درصد را شامل می‌شوند، قربانی تجاوز جنسی بوده‌اند.

این کمیسیون اما گفته است که نکته قابل تأمل در بحث اتهام وارده بر زنان این است که تعدادی از آنان به دلیل جرایمی مثل سرقت، قاچاق و اطلاع کذب برای معاینات پرده بکارت و یا هم معایناتی برای اثبات جرایم زنا، لواط و تجاوز جنسی به طب عدلی معرفی شده‌اند. این کمیسیون افزوده است که این جرایم به تنهایی نمی‌تواند توجیه‌کننده معرفی زنان متهم به مراکز صحتی جهت معاینه نسایی باشد.

چگونه‌گی گرفتاری و نهادهای معرفی‌کننده به طب عدلی

کمیسیون مستقل حقوق بشر در این بخش از زنان مصاحبه‌شونده پرسیده است که چگونه و توسط چه کسی گرفتار شده‌اند. آنان گفته‌اند که اکثرشان جهت معاینه طب عدلی، بعد از انفاذ کود جزا از آدرس‌های مختلفی چون پولیس، لوی‌سارنوالی، خانه‌های امن، امنیت ملی و محکمه معرفی شده‌اند. در برخی موارد، زنان برای این‌که بتوانند اتهام زنا و امثال آن را بر خود رد کنند، داوطلبانه حاضر به اجرای این معاینه شده‌اند.

محل گرفتاری

به همین ترتیب کمیسیون مستقل حقوق بشر در مورد محل گرفتاری زنان نیز سوالی را مطرح کرده است که ۲۳٫۳ درصد کوچ و بازار، ۱٫۶ درصد خانه‌های امن، ۱٫۶ درصد شفاخانه‌ها، ۰٫۸ درصد حوزه‌ها، ۰٫۸ درصد خانه‌هایی کسانی که با آن‌ها فرار کرده‌اند، ۰٫۸ درصد رستوران‌ها، ۰٫۸ درصد ریاست امور زنان، ۲٫۳ درصد قوماندانی امنیه و ۰٫۸ درصد مدیریت جنایی را به عنوان محل‌های گرفتاری خویش نام برده و ۱۴٫۷ درصد دیگر در این مورد پاسخی نداده‌اند. هم‌چنان شماری دیگر گفته‌اند که برای ثبت شکایت و یا ارزیاب توضیحات به حوزه‌های امنیتی رفته بودند که مظنون



عبدالحمید حسنی

کمیسیون مستقل حقوق بشر به تازه‌گی تحقیقی را در مورد «معاینات اجباری نسایی زنان» انجام داده است. براساس یافته‌های این گزارش، ۹۲٫۳ درصد آزمایش‌های نسایی زنان بدون حکم محکمه و رضایت آزمایش‌شده‌گان صورت گرفته است. این تحقیق در ۱۳ ولایت انجام شده و کمیسیون مستقل حقوق بشر معاینات اجباری نسایی از جمله معاینات پرده بکارت و معایناتی که برای اثبات تجاوز جنسی، زنا و لواط انجام می‌شود را غیرقانونی، تحقیرکننده و نقض کرامت انسانی دانسته است. کمیسیون مستقل حقوق بشر گفته است که انجام چنین معاینات، خلاف مفاد قواعد و مقررات بین‌المللی و مغایر منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون منع شکنجه است. هم‌چنان کمیسیون مستقل بشر گفته است که معاینات پرده بکارت از اعتماد علم طب برخوردار نیست، از این لحاظ انجام چنین آزمایشات باید ممنوع شود. کمیسیون مستقل حقوق بشر، روز یک‌شنبه، بیستم میزان، گزارشی پیرامون «معاینات اجباری نسایی زنان» را به نشر رساند. در این تحقیق با ۱۲۹ زن در ۱۳ ولایت مصاحبه شده است. از این میان ۶۲ تن (۴۸٫۱ درصد) مصاحبه‌شونده‌گان متاهل، ۳۴ تن (۲۶٫۴ درصد) مجرد، ۱۲ تن (۹٫۳ درصد) نامزد، ۱۴ تن (۱۰٫۹ درصد) بیوه و ۷ تن (۵٫۴ درصد) آنان مطلقه بوده‌اند. علاوه بر این، کمیسیون مستقل حقوق بشر گفته است که از میان این مصاحبه‌شونده‌گان، ۶۰٫۴ درصد در محابس، ۷ درصد در نظارت‌خانه‌های پولیس و ۳۲٫۶ درصد خانه‌های امن سکونت داشته‌اند.

یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر نشان می‌دهد که اجرای معاینات نسایی از جمله معاینات پرده بکارت و معایناتی که برای اثبات جرایم تجاوز جنسی، زنا یا لواط انجام می‌شود، هنوز هم ادامه دارد. این در حالی است که فقره دوم ماده ۶۴۰ کود جزا، اجرای این معاینات را مشروط به رضایت زن و حکم محکمه باصلاحیت دانسته است. در این گزارش آمده است که از میان ۱۲۹ تن، ۱۱۹ تن که شامل ۹۲٫۳ درصد مصاحبه‌شونده‌گان می‌شوند، بدون حکم محکمه و بدون رضایت‌شان مورد آزمایش قرار گرفته‌اند. براساس یافته‌های این گزارش از میان ۱۲۹ زن که برای معاینه عدلی-طبی معرفی شده‌اند، تنها یک زن رضایت داشته است و نه زن دیگر براساس حکم محکمه آزمایش پرده بکارت شده‌اند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر گفته است که این تحقیق به وسیله پرسش‌نامه از زنانی که در محابس، نظارت‌خانه‌های پولیس و خانه‌های امن بوده و به طب عدلی برای معاینات

شناخته شده و توسط پولیس در همان‌جا گرفتار شده‌اند.

اطلاع‌دهی به اقارب متهمان بعد از گرفتاری

کمیسیون مستقل حقوق بشر گفته است که براساس ماده هفت قانون اجراءات جزایی افغانستان، مظنون، متهم و مسوول حق‌العبد، دارای حقوقی‌اند که باید در مراحل تعقیب عدلی به آن‌ها دسترسی داشته باشند. به گفته‌ی این کمیسیون، از جمله‌ی این حقوق، اطلاع‌دهی به خانواده‌ی متهم بعد از گرفتاری است که باید توسط مراجع گرفتارکننده، انجام شود. با این حال، ۶۲٫۸ درصد پرسش‌شونده‌گان گفته‌اند که در همان لحظه‌ی اول به خانواده و اقارب‌شان اطلاع داده شده، اما ۳۲٫۶ درصد گفته‌اند که در لحظه‌ی گرفتاری به خانواده‌های‌شان اطلاع داده نشده است و ۴٫۷ درصد به این پرسش پاسخ نداده‌اند. هم‌چنان این کمیسیون گفته است که از انجام آزمایش بکارت این زنان یک تا پنج سال زمان گذشته است.

تعداد موارد معرفی شده به طب عدلی

کمیسیون مستقل حقوق بشر گفته است که برخی از افراد مجنی‌علیه چندین بار به طب عدلی جهت معاینه بکارت معرفی شده‌اند. براساس یافته‌های این کمیسیون، ۶۱٫۲ درصد پرسش‌شونده‌گان یک بار، ۱۶٫۳ درصد دو بار، ۲٫۳ درصد سه بار و ۲٫۳ درصد دیگر چهار بار به طب عدلی جهت معاینه نسایی معرفی شده‌اند. ۱۷ درصد دیگر در این مورد نظری نداده‌اند.

علت معرفی به طب عدلی

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که ۳۴٫۱ درصد این زنان به دلیل اثبات موجودیت یا عدم موجودیت «اسپر» در بدن‌شان به طب عدلی معرفی شده‌اند. هم‌چنان ۲۴ درصد مصاحبه‌شونده‌گان دلیل معرفی شدن‌شان به طب عدلی را تشخیص سالم بودن یا نبودن پرده بکارت، ۲۲٫۵ درصد اثبات مجامعت جنسی تازه و ۴٫۷ درصد اثبات جرم تجاوز جنسی گفته‌اند. ۱۴٫۷ درصد دیگر به این پرسش‌ها پاسخ نداده‌اند.

با این حال براساس این یافته‌ها، کمیسیون مستقل حقوق بشر گفته است که نکته قابل تأمل، معرفی زنان قربانی تجاوز برای معاینه به طب عدلی است. هرچند به گفته‌ی این کمیسیون، اجرای این معاینه ممکن است به هدف اثبات جرم صورت گرفته باشد، اما نفس معرفی این زنان به طب عدلی، می‌تواند صدمات روحی جدی‌تری بر فرد قربانی تجاوز جنسی وارد کند.

جنسیت داکترانی که معاینه را انجام داده‌اند

از سوی دیگر براساس ماده ۴۹ قانون اجراءات جزایی،

معاینات متهم، مظنون و مجنی‌علیه در جرایم باید توسط اهل خبره‌ی هم‌جنس انجام شود. بنابراین، معاینات نسایی زنان که به هدف اثبات جرم زنا، لواط و تجاوز جنسی صورت می‌گیرد، نباید توسط مردان انجام شود. با این حال یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ۷۷٫۵ درصد زنان توسط داکتران زن معاینه شده و ۳۰٫۱ درصد دیگر تأیید کرده‌اند که معاینات آنان برخلاف ماده ۴۹ قانون اجراءات جزایی، توسط داکتران مرد صورت گرفته است. هم‌چنان ۱۹٫۴ درصد در مورد جنسیت داکتر معاینه‌کننده سکوت اختیار کرده و پاسخ نداده‌اند.

پی‌آمدهای روانی معاینه بکارت بر زنان

از سوی دیگر در این گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر آمده است که آزمایش نسایی زنان پی‌آمدهای ناگوار روحی و روانی برای آزمایش‌شده‌گان برجا گذاشته است. یکی از مصاحبه‌شونده‌گان گفته است: «باورم نمی‌شد! مرا به خاطر کاری که هرگز انجام نداده بودم، به طب عدلی معرفی کردند. شوکه شده بودم. برای معاینات بکارت! از شدت ناراحتی و رنج این خفت، هنگام معاینه طب عدلی ضعف کردم. هیچ چیز از آن لحظه به یاد ندارم. من هنوز احساس حقارت می‌کنم. من واقعاً توهین شدم. آن قدر که هیچ وقت پادم نخواهد رفت.»

این بخشی از سخنان یک تن از مصاحبه‌شونده‌گان است که به کمیسیون مستقل حقوق بشر گفته است. با این حال در این تحقیق آمده است که ۲۰٫۲ درصد زنان بعد از ختم معاینه نسبت به فرد معرفی‌کننده، ۱۷ درصد از داکتر معاینه‌کننده و ۴٫۷ درصد از اعضای خانواده خود بعد از معاینه بکارت حس نفرت کرده‌اند. به همین ترتیب ۱۸٫۶ درصد از مصاحبه‌شونده‌گان احساس آندوه و درد کرده و گفته‌اند که با اجرای این معاینه عملاً شکنجه شده‌اند. در این گزارش آمده است که ۷٫۸ درصد بعد از اجرای معاینه منزوی شده و ۳۰٫۱ درصد نیز دست به خودکشی زده‌اند. ۱۹ درصد دیگر در این مورد پاسخ نداده‌اند.

پیشنهادها

کمیسیون مستقل حقوق بشر با توجه به ویژه‌گی‌های تحقیر و توهین‌کننده این معاینات، پیشنهاد کرده که انجام آن توسط وزارت صحت عامه در تمام مراکز ممنوع قرار داده شود و زنانی که از انجام این معاینات صدمه دیده‌اند، مورد حمایت قرار گیرند. هم‌چنان این کمیسیون پیشنهاد کرده است که آن‌عه زنانی که مورد آزمایش قرار گرفته‌اند، شناسایی و در صورت لزوم مورد درمان روانی قرار گیرند. علاوه بر این، کمیسیون حقوق بشر از وزارت صحت عامه خواسته است که با فساد جدی مبارزه کند و از آن‌جایی که فرار از منزل جرم پنداشته نمی‌شود، اشخاصی که با چنین مواردی در مراکز سلب آزادی قرار دارند، باید آزاد شوند. معاینات بکارت در کشور در حالی انجام می‌شود که آزمایش آن بدون رضایت و حکم محکمه چندی پیش توسط کابینه ممنوع اعلام شده است. به همین ترتیب انجام چنین آزمایش‌هایی از سوی سازمان جهانی صحت نیز غیرمعتبر اعلام شده و گفته است که آزمایش بکارت اعتبار علمی ندارد.

بازی گران صلح افغانستان و ریسمان امارت و جمهوریت!

◆ عبدالله بهمنش

افغانستان آن را نمی‌خواهند و آنچه اکثریت مردم افغانستان می‌خواهند، طالبان به آن اعتنایی ندارند؛ زیرا رای مردم و خواسته‌های‌شان به طالبان اهمیت ندارد و به آن حرمت قابل نیستند. این گروه باورهای دگم و متحجرانه خود را بر مردم تحمیل می‌کند و درکی از شرایط و اوضاع اجتماعی-فرهنگی افغانستان ندارد. طالبان بر سر خواسته‌های غیرمنطقی خویش بی‌هیچ انعطافی ایستاده‌اند.

مواضع نامنعطف طالبان باعث شد که ایالات متحده امریکا طولانی‌ترین مذاکره را با این گروه داشته باشد؛ مذاکراتی که تقریباً هجده ماه طول کشید و برآیند آن تفاهم‌نامه‌ای بود که میان دو طرف امضا شد. یکی از بخش‌های مهم این توافق‌نامه، رهایی پنج هزار زندانی این گروه و متعاقب آن آغاز گفت‌وگوهای بین‌الافغانی بود.

اکنون که از آغاز مذاکرات بین‌الافغانی بیش‌تر از سه هفته می‌گذرد، هیات مذاکره‌کننده دولت جمهوری اسلامی افغانستان و تیم مذاکره‌کننده گروه طالبان، روی کارشویه مذاکرات به تفاهم نرسیده‌اند. مسایلی که مانع آغاز گفت‌وگوهای اصلی شده است، دو مینا است. هر دو مساله مغایر اصول جمهوریت و خواسته‌های همه‌گانی است. اصل قرارداد فقه حنفی در گفت‌وگوهای بین‌الافغانی و مینا قرار دادن تفاهم‌نامه طالبان - ایالات متحده امریکا در این مذاکرات، نه تنها منطقی و خردمندانه نیست، بلکه مغایر حقوق و آزادی‌های مذهبی - دینی و بی‌حرمتی به بخشی از جمعیت افغانستان نیز است. این امر یکی از عمده‌ترین دلایل تغییر نکردن طالبان و دگرگون نشدن باورها و اعتقادات این گروه است. طالبان در دوران حاکمیت‌شان نیز به مذاهب غیر از اهل سنت اجازه فعالیت مذهبی نمی‌دادند. اقلیت‌های دینی هم‌چون اهل هند و سیک در دوران حاکمیت این گروه در بدترین وضعیت ممکن قرار داشتند و اجازه‌ی برگزاری مناسک دینی-مذهبی‌شان را نداشتند. درک طالبان از شرایط کنونی کشور ما، درک کوتاه‌اندیشانه‌ی سازمان‌ها و کشورهای ذی‌نفع در قضایای افغانستان و بازی‌گران آن است. طالبان بلندگویان حامیان مالی -ایدیولوژیک منطقه‌ای و جهانی‌شان هستند و آنچه بر آن‌ها گفته می‌شود را در میز مذاکره بلند زمزمه می‌کنند. برای همین است که هیات مذاکره‌کننده این گروه در دوحه و ایستاده‌گی آن‌ها بر سر خواسته‌های غیرمنطقی‌شان، از یک طرف روند صلح افغانستان را با چالش مواجه و نگرانی‌های مردم افغانستان را از این روند مضاعف کرده است و از جهتی سربازان امارت بر جان و مال مردم تاخته و تنور جنگ را داغ و داغ‌تر کرده است. هیچ‌کس نمی‌داند که آینده‌ی صلح افغانستان و طالبان چه خواهد شد و بازی‌گران منطقه‌ای و جهانی صلح افغانستان و مدعیان امارت و جمهوریت، چگونه تفاهم خواهند کرد.

منهدم کرده به آتش کشیدند، جاده‌های عمومی را با ماین‌گذاری‌ها ویران کردند، به ورزشگاه‌ها، شفاخانه‌ها، مساجد و فروشگاه‌ها حملات انتحاری و انفجاری را سازمان‌دهی کرده و در نهایت به حیوانات و پرندگان ترحم نکردند و با کشتن آن‌ها عطش این گروه هنوز هم فرو نشسته است. سامانه‌ی جنگی-ایدیولوژیک این گروه که با کشتار و ویران‌گری به حرکت می‌افتد، به رغم تحولات جهانی و مخالفت کشورهای اسلامی و علمای جهان اسلام، تاکنون متوقف نشده است. باورهای دگم جنگ‌جویان و رهبران این گروه علی‌رغم تحولاتی که در این کشور به میان آمده است و دست‌آوردهایی که مردم افغانستان به آن با دادن خون دست یافته‌اند، تغییر نکرده است. این گروه به حضور معنادار زنان و مشارکت آن‌ها در ساختار نظام سیاسی، رسانه‌های همه‌گانی آزاد، جامعه مدنی، احزاب سیاسی و انتخاباتی که با مشارکت آگاهانه و دموکراتیک اقشار مختلف جامعه نظام سیاسی را مشروعیت بخشید، باور ندارد. نه تنها جنگ‌جویان این گروه، بلکه رهبران‌شان در دوحه به صراحت از آنچه در دوران زعامت این گروه و دوره سپاهی حاکمیت‌شان بر مردم رفت، دفاع کردند و می‌کنند. طالب تغییر نکرده است و به افغانستان متکثر که در آن همه‌ی اقوام و مذاهب اسلامی از حقوق و آزادی‌های مساویانه برخوردار باشند، اعتقاد ندارد. طالب امارت می‌خواهد، از نوعی که مردم افغانستان در سال‌های حاکمیت این گروه تجربه کرده‌اند.

این گروه نظام سیاسی اسلامی می‌خواهد که خود به آن باور دارد و به برپایی آن سال‌ها است جد و جهد دارد. نظام اسلامی که طالبان با تفسیر قشری از دین و آموزه‌های اسلامی می‌خواهند آن را بر مردم افغانستان تحمیل کنند، قابل پذیرش برای اکثریت مردم افغانستان نیست. در این‌گونه ساختار سیاسی، حقوق و آزادی‌های زنان، حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی و دست‌آوردهای مردم افغانستان تعریف نشده و به آن‌ها جایگاه باعتبار در نظر گرفته نشده است.

به همین دلیل عده‌ای از پژوهش‌گران دینی، طالبان را با خوارج - گروهی که در صدر اسلام ظهور کرد و قتل مسلمان به وسیله‌ی مسلمان را به دلیل ارتکاب گناه کبیره مباح می‌دانست - هم‌سرخ می‌دانند. از نظر خوارج کسی که گناه کبیره انجام دهد، ایمانش از میان می‌رود و کافر می‌شود. چنین کسی جان و مالش مصون نیست و نمی‌تواند از تعرض مومنان در امان باشد. طالبان نیز با جایز خواندن جنگ علیه مسلمانان و هم‌کیش خودشان و تفسیر قشری که از اسلام دارند، شباهت به خوارج دارند.

آن‌چه طالبان می‌خواهند، اکثریت مطلق مردم

بزرگ ایالات متحده امریکا را در منطقه تامین می‌کند، ایفا می‌کنند.

امریکا، زمانی به طالبان به بهانه‌ی گفت‌وگوهایی صلح، مشروعیت منطقه‌ای و جهانی بخشید که ۱۹ سال پیش به بهانه‌ی نابودی آن‌ها به افغانستان به دلیل نقض گسترده‌ی حقوق بشر و رابطه با القاعده و... حضور نظامی یافت. طالبانی که دیروز ناقض حقوق بشر، تروریست و هم‌کاسه‌ی شبکه‌ی القاعده بودند، در نتیجه‌ی اقتضای منافع ملی ایالات متحده، تغییر کردند و به متحدان سیاسی-امنیتی این کشور تبدیل شدند. چرخش ۱۸۰ درجه‌ی ایالات متحده در رابطه با گروه به طالبان، شک و تردیدهایی را در میان مردم افغانستان نسبت به نیت این کشور در مبارزه با تروریسم و دفاع از مردم‌سالاری و ارزش‌های حقوق بشری ایجاد کرده است. دیدارهای پی هم و محرمانه‌ی مقام‌های بلندپایه‌ی امریکایی با رهبران این گروه در دوحه، دلایل روشنی از مشروعیت‌بخشی منطقه‌ای و جهانی به این گروه تروریستی و شراکت در دست‌رخوان قدرت است. بحث دموکراسی، حقوق بشر و ارزش‌های مدرنی که دغدغه‌ی اصلی رهبران ایالات متحده را می‌ساختند، مهم‌ترین ابزار سیاست خارجی این کشور هستند که در هر شرایطی قابل تعویض و معامله‌اند.

پس از حمله یازدهم سپتامبر، ایالات متحده امریکا با هدف مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی و دفاع از حقوق و آزادی‌های مردم افغانستان، به ویژه حقوق بشر و برپایی دموکراسی، وارد این کشور شد. گروه طالبان که به حمایت از القاعده، جنایات جنگی و نقض گسترده‌ی حقوق بشر متهم بود، در نتیجه‌ی لشکرکشی ایالات متحده و متحدانش، خلع قدرت و به حاشیه رانده شد. پس از آن با حمایت مالی-نظامی ایالات متحده، سنگ‌بنای دولت جدیدی مبتنی بر قانون و ارزش‌های مدرن دولت‌داری و حقوق بشری گذاشته شد. گروه طالبان اما به عنوان یک گروه تروریستی که بعدها از جانب مقام‌های امریکایی شورش‌گر و در نهایت به متحد سیاسی-امنیتی و استراتژیک این کشور خوانده شد، کاملاً مضمحل و به حاشیه رانده شد. پس از آن، این گروه با حمایت برخی از کشورهای منطقه و حوزه‌ی خلیج، در برابر حقوق و آزادی‌های مردم افغانستان و روند رو به توسعه در این کشور، ایستاد و هیچ نوع نرمش و انعطافی در مواضع جزم‌اندیشانه‌اش دیده نشد. جنگ‌جویان این گروه با تفنگ و باروت در برابر دست‌آوردهای مردم و دولت افغانستان ایستادند و از هیچ نوع سقاوت و بی‌رحمی دریغ نورزیدند. هزارها تن از نیروهای دفاعی-امنیتی این کشور را که در دفاع از عزت و میهن قرار داشتند، شهید کردند، تاسیسات عام‌المنفعه را

پس از آن‌که ایالات متحده امریکا با گروه طالبان تفاهم‌نامه‌ی صلح را امضا کرد، گفت‌وگوهای بین‌الافغانی که یکی از مهم‌ترین بخش‌های موافقت‌نامه طالبان-امریکا را تشکیل می‌داد، با تاخیر هشت‌ماهه به صورت رسمی آغاز شد. از آغاز مذاکرات بین‌الافغانی بیش‌تر از سه هفته می‌گذرد، ولی تاکنون دو طرف بر سر تدوین کارشویه گفت‌وگوها به تفاهم نرسیده‌اند. مسایلی هم‌چون حل‌وفصل قضایا با استناد به فقه حنفی و مینا قرار دادن تفاهم‌نامه‌ی طالبان - ایالات متحده در مذاکرات بین‌الافغانی، از مسایلی‌اند که تاکنون روند آغاز رسمی گفت‌وگوهای بین‌الافغانی را با چالش مواجه ساخته است. هردو مورد که از آن‌ها به عنوان دو مینا در گفت‌وگوهای بین‌الافغانی یاد می‌شود، باعث شده است که هیات‌های هردو تیم مذاکره‌کننده به رغم نشست‌های پی‌هم بر سر کارشویه مذاکره به تفاهم نرسند. از یک سو نماینده‌گان طالبان در دوحه بر سر مینا قراردادن تفاهم‌نامه‌ی صلح آن گروه با ایالات متحده و در گفت‌وگوهای بین‌الافغانی و مراجعه به فقه حنفی در حل مسایل مهم با نماینده‌گان جمهوری اسلامی افغانستان، بی‌هیچ انعطافی چانه می‌زنند و این طرف جنگ‌جویان‌شان آتش گرم جنگ را شعله‌ور نگه‌داشته و با راه‌اندازی حملات انفجاری و ترورهای زنجیره‌ای از نظامیان و غیرنظامیان قربانی می‌گیرند. طالبان از یک سو بر کلان‌شهرها حمله می‌کنند و از سویی با ماین‌گذاری‌های کنار جاده‌ای و حملات انفجاری و ترور نظامیان، کارکنان حکومتی، روحانیون دینی و شخصیت‌های متنفذ، می‌خواهند امتیاز بیش‌تر کسب کنند. با آن‌که افغانستان خونین‌ترین روزها را پس از توافق‌نامه‌ی صلح امریکا با طالبان تجربه می‌کند، ولی مقام‌های امریکایی با بزرگ‌نمایی داعش و انتساب حملات انتحاری و انفجاری به این گروه، در تلاش براثت طالبان و جنایاتی که این گروه با قساوت و بی‌رحمی در این کشور مرتکب شدند/می‌شوند، هستند. بزرگ‌نمایی داعش از سوی مقام‌های امریکایی و تلاش‌ها در سمت‌وسودهی افکار عامه، باعث تغییر جو سیاسی و حتا فضای رسانه‌ای به سود طالبان شده است. هرچند خشونت‌ها پس از تفاهم‌نامه‌ی صلح ایالات متحده، اندکی فرو کاسته بود، ولی پس از هدایت رهبر این گروه به جنگ‌جویانش، به گونه‌ی کم‌سابقه افزایش یافته و جنگ‌جویان این گروه دست‌از کشتار شهروندان و نیروهای دفاعی-امنیتی و حملات بر کلان‌شهرها بر نداشتند. این جنگ‌جویان هرچه در بساط دارند، بر سر مردم خسته از جنگ، می‌ریزند. پس از موافقت‌نامه‌ی امریکا-طالبان، گروه طالبان نقش «بلک واتر افغانی» را که با هزینه کم منافع

حمایت از تشبثات کوچک، انقلاب اقتصادی می‌آفریند



◆ مجیدالرحمن عثمانی

مردم به استفاده از محصولات تشبثات کوچک و متوسط، ترانسپورت پرهزینه، موجودیت قدرت‌های محلی انحصاری، نبود مکانیسم بازاریابی معیاری و تخصصی از دلایل اصلی عقب‌مانده‌گی تشبثات کوچک و متوسط در کشور است.

رشد و انکشاف تشبثات کوچک در بستر توسعه سکتور خصوصی و ایجاد ساختار اقتصادی عادلانه، سبب انقلاب اقتصادی در کشور می‌شود. نگاه عمیق عادلانه حکومت و مردم به تشبثات، سبب بیش‌تر شدن تشبثات کوچک و متوسط می‌شود. ایجاد این تشبثات در کاهش سطح بی‌کاری، کاهش مهاجرت، جلوگیری از فرار سرمایه، کاهش شکاف‌های درآمدی خانواده‌ها، افزایش تولید ملی، کاهش سطح واردات، انکشاف متوازن روستاها و افزایش سطح رفاه خانواده‌ها می‌گردد. این مسأله نه تنها سبب انقلاب بزرگ اقتصادی می‌شود، بلکه تغییر مثبت بر اجتماع و امنیت نیز خواهد داشت.

مذاکرات و گفت‌وگوهای صلح با طالبان، سایه وحشت‌باری است که همه بخش‌ها را نگران ساخته است. متشبثان حیات تجارت‌شان را با حفظ حقوق و وجود سیستم بازار آزاد بر مبنای قاعده و قوانین نظام‌های اقتصادی ربط می‌دهند. آن‌ها نگران اتفاقاتی فردا برای ایجاد نظام‌های سیاسی و اقتصادی جدید نیز هستند.

است. ایجاد تشبثات کوچک یکی از مهم‌ترین ماشین‌های محرک اقتصادی به حیث پیش‌نیاز الزامی در تحقق توسعه اقتصاد پایدار کشورها است. فراهم کردن محیط مناسب برای ایجاد و رشد تشبثات کوچک و متوسط بسیار مهم و حیاتی به نظر می‌رسد. تحلیل و تجزیه فاکتورهای محیطی اثرگذار بر تصمیم‌گیری کارآفرینان، الزامی است. محیط سیاسی مناسب کسب‌وکار، محیط حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، تکنولوژی، شرایط و محیط میزان فرآیند جهانی شدن تجارت در پرورش تشبثات نقش حیاتی دارند.

چشم‌انداز حکومت افغانستان به اهمیت و نقش تشبثات کوچک و متوسط در ساختار اقتصاد، بنیادی نیست و نادیده گرفتن نیازمندی‌های تشبثات در تصمیم‌گیری دولت، نبود پلان‌های درازمدت تسهیلاتی، شرایط نامناسب تجارت در مناطق روستایی و شهرها، تخصیص ناعادلانه منابع دولت بر تشبثات، مکانیسم مدیریت سنتی در تشبثات، تولیدات نامعیاری محصولات و نبود اشتیاق و علاقه

قرار دارد.

رشد اقتصاد، با کاهش میزان بی‌کاری رابطه تنگاتنگ دارد. رشد تولیدات تشبثات کوچک و متوسط و افزایش درآمد از این بخش بزرگ اقتصاد خصوصی، بیش‌ترین اثر را در کاهش نرخ بی‌کاری در مناطق شهری و روستاها می‌گذارد. در افغانستان ۸۰ تا ۹۰ درصد دادوستد تجارتي در مناطق روستایی با مردم توسط تشبثات کوچک و متوسط صورت می‌گیرد، از همین رو، حفظ تعادل در فراهم‌سازی تسهیلات دولتی بر تشبثات کوچک، متوسط و بزرگ بسیار مهم است. تمرکز حکومت روی ایجاد شرایط مناسب برای متشبثان، فراهم‌سازی اماکن برای فعالیت‌های تجارتي، افزایش سب‌سایدی‌ها در حالات اضطراری، معافیت مالیاتی، تامین امنیت و تخصیص منابع عادلانه به تشبثات خرد و بزرگ منجر به افزایش توزیع عادلانه ثروت در جامعه به ویژه مناطق روستایی می‌گردد.

سهم‌گیری تشبثات کوچک و متوسط در رشد اقتصاد کشور بیش‌تر از هر سکتور دیگر قابل دید

تشبثات کوچک و متوسط یک بخش بزرگ از اقتصاد خصوصی است. پایه اقتصاد کشورها سکتور خصوصی می‌باشد. در ساختارهای اقتصادی کشورها تشبثات کوچک و متوسط از اهمیت خاص و چشم‌گیر برخوردار است. سهم تشبثات کوچک و متوسط در اشتغال‌زایی، تولید ناخالص ملی، توزیع عادلانه ثروت، میزان چرخش پول در شهر و روستاها و خلاصه در نرخ رشد و توسعه اقتصادی کشور بسیار است.

سرمایه‌گذاری و توجه خاص بر مکانیسم تولیدات معیاری اجناس و خدمات، مدیریت نوین در تشبثات کوچک و متوسط سبب خلاقیت و نوآوری‌های بیش‌تر در محصولات این بخش می‌شود. افزایش تقاضا بر محصولات تشبثات کوچک و متوسط، به ایجاد انگیزه حمایتی در سطح کشور از متشبثان منجر شده و سبب کاهش نابرابری اقتصادی و اجتماعی می‌گردد. چین، هند، امریکا و جاپان از جمله کشورهایی‌اند که بستر مناسب حمایتی را برای تشبثات کوچک و متوسط ایجاد کردند و بازار تجارتي جهان امروز بیش‌تر تحت شعاع این کشورها



◆ قیس احمد قادری، استاد دانشگاه

مقدمه

روز چهارشنبه‌ی گذشته‌ی دونالد ترامپ، رییس جمهور ایالات متحده توییت کرد: «ما باید شمار اندکی از مردان و زنان شجاع خود که در افغانستان خدمت می‌کنند را تا کریسمس به کشور برگردانیم». این توییت در زمانی که طالبان خوشنوها را افزایش می‌دهند و هیات‌های مذاکره‌کننده هنوز بر سر طرز العمل نشست میان افغان‌ها به توافق نرسیده‌اند، موجی جدید از واکنش‌ها، امیدها و نگرانی‌ها را در درون و بیرون افغانستان برانگیخته است. چرا ترامپ در این برهه زمانی اقدام به چنین اظهاراتی کرده است؟ چه قدر خروج ایالات متحده از افغانستان الی سال جدید عیسوی امکان‌پذیر است؟ موضوعی است که در نبشته به آن پرداخته‌ام.

ترمپ و روند خروج نیروهای امریکایی از افغانستان
دونالد ترامپ، رییس جمهور ایالات متحده با شعار خاتمه دادن «جنگ‌های مضحک» و برگشت عساکر امریکایی از این جنگ‌ها، وارد کارزار انتخاباتی شد و پس از انتخاب شدن به عنوان رییس جمهور هم‌چنان به شعار خود پایند باقی ماند. ختم جنگ در افغانستان و برگشت تمامی نیروهای نظامی ایالات متحده، یکی از موارد مهم سیاست خارجی ترمپ در انتخابات پیش‌رو است. کارشناسان حتا پیروزی و ناکامی ترمپ در انتخابات پیش‌رو را وابسته به موفقیت سیاست ترمپ در افغانستان می‌دانند.

حکومت ترمپ در راستای استراتژی خاتمه دادن به جنگ‌های بی‌معنا با گروه طالبان، با این گروه وارد گفت‌وگو شد و در ۲۹ فروری ۲۰۲۰م ایالات متحده با طالبان موافقت‌نامه‌ی صلح را امضا کرد. بر اساس این توافق‌نامه، ایالات متحده در ازای تعهد طالبان مبنی بر قطع رابطه و مبارزه با گروه‌های تروریستی مثل داعش و القاعده، مذاکره با حکومت افغانستان برای کاهش خشونت‌ها و تقسیم قدرت، تعهد به خروج تمامی نیروهای خود از افغانستان الی ماه می ۲۰۲۱ را داد.

ایالات متحده روند خروج عساکر خود از افغانستان را آغاز کرد، چنان‌چه فعلاً رقم عساکر موجود ایالات متحده کم‌تر از چهار هزار در افغانستان است. چهارشنبه‌ی هفته‌ی گذشته رابرت اوبراین، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، گفت که قرار است ایالات متحده تعداد عساکر این کشور در افغانستان را تا اوایل سال آینده به ۲۵۰۰ نفر برساند. این در حالی است که طالبان به هیچ یک از مواد موافقت‌نامه با این کشور پایند نبوده‌اند. طالبان هنوز روابط خود با القاعده را نگه داشته، هیچ جنگی را علیه داعش سازمان‌دهی نکرده و نه‌تنها خشونت‌ها را کاهش نداده، بلکه روزبه‌روز حملات خود علیه حکومت افغانستان را تشدید کرده است.

واکنش مقام‌های امریکایی در برابر توییت ترمپ
مقام‌های امریکایی، توییت ترمپ را یک اقدام حیرت‌انگیز و غیرقابل انتظار گفته‌اند. بسیاری از مقام‌های امریکایی که از گفتن نام خود ایا ورزیده‌اند، به روزنامه‌های این کشور گفته‌اند که توییت ترمپ غیرمنتظره و یک آرزوی شخصی برای تحریف افکار عمومی به خاطر ناکامی‌های ترمپ در مقابله با ویروس کرونا و خلاف منافع ایالات متحده است. در همین حال دبیر کل ناتو نیز در یک نشست مطبوعاتی روز پنج‌شنبه اذعان کرد که ناتو با امریکا وارد افغانستان شده و همراه امریکا از این کشور خارج می‌شود. هرچند قبل از این مقام‌های امریکایی و ناتو حضور خود در افغانستان را بر اساس شرایط و توافق‌نامه صلح ایالات

متحده - طالبان گفته بودند.

استقبال طالبان و واکنش پاکستان در برابر توییت ترمپ

گروه طالبان تنها گروهی است که از توییت ترمپ استقبال کرد. سخنگوی این گروه توییت ترمپ را گامی در راستای تطبیق موافقت‌نامه دوحه دانسته و بر پابندی این گروه به مفاد این موافقت‌نامه تاکید کرده است. گفته می‌شود سخنگوی این گروه بیان داشته است که طالبان امیدوار اند ترمپ در انتخابات امریکا پیروز شود و عساکر امریکایی را از افغانستان خارج کند. از نظر طالبان، توییت ترمپ موقعیت طالبان در مذاکرات صلح را تقویت می‌کند و اگر ترمپ بدون برنامه و بدون این‌که منتظر نتایج مذاکرات صلح بماند، اقدام به خروج نیروهایش از افغانستان کند، چانس این گروه برای پیروزی بر حکومت افغانستان بیش‌تر می‌شود و این ادعای گروه طالبان که گویا علیه اشغال‌گران بیرونی می‌رزمدند، به حقیقت مبدل می‌گردد. حکومت پاکستان هرچند هنوز نسبت به توییت ترمپ واکنش رسمی نداشته است، اما روزنامه‌ی دن این کشور در یک مقاله تحلیلی که به تاریخ ۹ اکتوبر به نشر رساند، این توییت را به مثابه بی‌علاقگی امریکا در جلوگیری از استقرار دوباره امارت اسلامی دانسته است.

چه قدر خروج ایالات متحده الی سال آینده میلادی امکان‌پذیر است؟

«اول امریکا» شعار و استراتژی دونالد ترامپ است که زمینه‌ی رسیدن وی به سکان قدرت را مساعد کرد. براساس این استراتژی، ترمپ پس از گرفتن قدرت سعی کرد حضور ایالات متحده در جهان را مطابق واقعیت‌های عینی موجود کاهش داده و به سواری رایگان متحدان و رقبای کشورش پایان دهد تا از این طریق هزینه‌های سنگین بر کشورش را کاهش داده و امریکا را دوباره «بزرگ» بسازد. تجدید نظر در اتحاد‌های ایالات متحده مثل ناتو، روابط این کشور با چین، هند و... خاتمه دادن به جنگ‌های مضحک و بازگشت عساکر امریکایی از کشورهای مثل افغانستان، سوریه و عراق، ترجیح ملاحظات استراتژیک و اقتصادی بر ملاحظات ارزشی نظیر قرارداد سلاح با عربستان سعودی و رها کردن کردها و... جنبه‌های عینی شعار «اول امریکا» بوده است.

فروش تسلیحات نظامی به عربستان سعودی و تنها ماندن کردها تنها دو مورد دل‌بخواه ترمپ بوده که صد درصد تحقق یافت. ترمپ با وجودی که می‌خواست از ناتو خارج شود، اما هنوز حتا بحث خروج این کشور از ناتو مطرح نشده است. اکنون چشم‌انداز تغییر سهمیه نظامی کشورهای عضو ناتو در سال‌های آینده وجود دارد و کشورهای مثل آلمان حاضر به پرداخت بیش‌تر هزینه‌ی این سازمان شده‌اند. ترمپ خواستار خروج عساکر امریکایی از سوریه با وجود نگرانی کردها و دیگر متحدان منطقه‌ای امریکا شد، اما هنوز در حدود یک هزار عسکر امریکایی در این کشور حضور دارند. منافع ایالات متحده و ساختار نظام بین‌الملل، دو عامل عمده بوده است که سبب شده هدف ترمپ در سیاست خارجی به آرزوی وی مبدل گردد. توییت اخیر ترمپ براساس واقعیت‌های عینی غیرعملی به نظر می‌رسد. متن توییت قبل از این‌که یک برنامه و یک امر یک رییس جمهور باشد، به یک آرزو می‌ماند.

ترمپ با این‌گونه توییت‌ها در پی چیست؟

توییت ترمپ؛ هشدار برای افغانستان و منطقه

رییس جمهور امریکا دقیقاً پس از صحت‌یابی‌اش از بیماری کووید-۱۹ و در جریان کارزارهای انتخاباتی، اقدام به نشر این توییت کرد. او در کارزارهای آتی ریاست جمهوری این کشور با انتقادات شدید از سوی مردم و رقبای انتخاباتی‌اش در زمینه‌ی مبارزه با ویروس کرونا مواجه است؛ ویروس‌ی که حتا شخص ترمپ هم از آن مصون نماند. ترمپ نه تنها به خاطر مبارزه با ویروس کرونا، بلکه در زمینه‌ی سیاست خارجی‌اش نیز مورد انتقاد شدید رقبایش و مردم ایالات متحده قرار دارد. به همین دلیل کارشناسان توییت اخیر او در رابطه به افغانستان را نوعی از کارزار انتخاباتی برای تغییر افکار عمومی در ایالات متحده از ویروس کرونا به سوی مساله افغانستان می‌دانند.

علاوه بر بحث‌های انتخاباتی، ترمپ با این توییت‌های غیرمنتظره اهداف چندگانه در مساله افغانستان را دنبال می‌کند. بحران افغانستان یکی از معضلات جهانی است. امریکا در صدد است تا این بحران را هرچه بیش‌تر تشدید کند تا برای جهان نشان دهد که امریکا چگونه بحران را حل می‌کند و در کنار آن حکومت‌های افغانستان، هند و روسیه را متوجه تهدیدات و مسوولیت‌های‌شان بگرداند تا فشار مسوولیت را از دوش خود کم کرده و به این کشورها بیفزاید.

او به این عقیده است که ایالات متحده اگر قرار است صرفاً برای مبارزه با تروریسم در افغانستان حضور داشته باشد، اگر طالبان از نظر روس‌ها، چینی‌ها، پاکستانی‌ها و دیگر کشورهای منطقه به عنوان گروه تروریستی شناخته نمی‌شود و اگر حضور طالبان در افغانستان تهدیدی برای کشورهای منطقه نیست، برای ایالات متحده که مایل‌ها دورتر قرار دارد، هیچ‌گونه تهدیدی نمی‌تواند باشد، به ویژه پس از توافق‌نامه‌ی که در آن طالبان نشان دادند که جنگ آن‌ها برخلاف تبلیغات‌شان نه ایدیولوژیک و دینی، بلکه صرفاً سیاسی است و طالبان حاضر اند به دوست خوب ایالات متحده تبدیل شوند. بنابراین برای ایالات متحده نیاز نیست که میلیاردها دالر صرف مبارزه با طالبان کند، اگر منظور از تروریست القاعده، داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در منطقه است. گروه طالبان به عنوان فراهم‌کننده‌ی سرپناه برای القاعده در افغانستان، به امریکا تعهد سپرده است که دیگر به القاعده نه تنها پناه نمی‌دهد، بلکه علیه آن در صورتی که علیه منافع و خاک ایالات متحده تهدیدی ایجاد کند، سلاح می‌گیرد. البته در صورتی که ایالات متحده از افغانستان خارج شود، داعش قبل از این‌که یک تهدید برای امریکا باشد، امروز به یک فرصت مبدل گشته است. داعش سبب شده که طالبان به عنوان تنها گروه نظامی مخالف ایالات متحده، به دوست و همکار این کشور تبدیل شود.

داعش از نظر ترمپ نه هدف تهدید ایالات متحده را دارد و نه توان این عمل را. خراسان داعش منطقه‌ای است که روسیه حیاط خلوت خود می‌داند و برای چین حتا جزو قلمروش می‌باشد. به جز داعش و القاعده، سایر گروه‌های فعال در افغانستان و پاکستان مثل جنبش اسلامی ترکستان شرقی، جنبش اسلامی اوزبیکستان، لشکر طیبه و... اکثر اهداف منوط به روسیه، چین، هند و دیگر کشورهای منطقه را دارند، نه ایالات متحده را. بنابراین، کشورهای مورد تهدید، باید مسوولیت بیش‌تر در افغانستان بپذیرند تا ایالات متحده.

مساله‌ای که افغانستان را برای ایالات متحده جذاب می‌کند، مهار چین در آسیای مرکزی و جنوب آسیا و هم‌چنان جلوگیری از هژمونی روسیه در آسیای مرکزی است. خروج امریکا از افغانستان سبب می‌شود که هند به

عنوان رقیب چین در برابر اتحاد چین-پاکستان تنها بماند؛ چون از نظر هندی‌ها خروج ایالات متحده از افغانستان و به تبع آن تاسیس دوباره امارت اسلامی طالبان و یا هرچ‌ومرج، به معنای هژمونی چین در جنوب آسیای و تا اندازه‌ای آسیای مرکزی بوده و دست بالای پاکستان در معادلات منطقه‌ای را بازتر می‌کند، به همین شکل برای روس‌ها.

آن‌چه ترمپ از طرح مساله زود هنگام خروج از افغانستان می‌خواهد، این است که افغانستان، هندوستان و روسیه با قبول نفوذ ایالات متحده در افغانستان با گرفتن نقش‌های متفاوت مسوولیت بیش‌تر را عهده‌دار شوند و ایالات متحده هزینه‌ی کم‌تر از آن‌چه امروز می‌پردازد را متقبل شود. حکومت‌های افغانستان و هندوستان باید مسوولیت سیاسی، نظامی و اقتصادی افغانستان را و روسیه مسوولیت نظامی و مبارزه با تروریسم را در حد محدود برعهده گیرند تا از یک سو با حفظ اتحاد ایالات متحده-هند و گسترش نفوذ امریکا در آسیای مرکزی از طریق افغانستان از هژمون شدن روسیه جلوگیری شود و از سوی دیگر با اتحاد غیرمتجانس ایالات متحده-هند-روسیه از هژمونی شدن چین در منطقه جلوگیری گردد.

این مامول به دست آمدنی نیست، مگر این‌که اطراف ذی‌دخل و ذی‌نفع متوجه تهدیدات و مسوولیت‌های خویش شوند. حکومت و جامعه افغانستان که بیش از بیست سال با تمام قوت در برابر طالبان ایستاده‌اند و هر روز دارند قربانی می‌دهند، باید آماده پذیرش طالبانی که پس از صلح با ایالات متحده وارد حکومت خواهند شد، شوند. هندی‌ها و روس‌ها باید درک کنند که جنوب آسیای بدون ایالات متحده، جنوب آسیای تروریست‌ها و هژمونی چین است و اگر می‌خواهند جنوب آسیا و به تبع آن آسیای مرکزی باثبات و چین مهار شده ببینند، باید مسوولیت بیش‌تر بپذیرند.

نتیجه‌گیری

روابط افغانستان و ایالات متحده، روابط استراتژیک و دوجانبه است. ایالات متحده برای حفظ هژمونی خود و جلوگیری از هژمون شدن قدرت‌های در حال ظهور، به همان اندازه نیازمند افغانستان است که افغانستان به روابط با این کشور نیازمند می‌باشد. همان‌گونه که امریکایی‌ها به این باور اند که افغانستان بدون امریکا یعنی افغانستان هرچ‌ومرج، این را هم می‌دانند که امریکای بدون افغانستان یعنی جنوب آسیا و آسیای مرکزی با هژمونی چین و روسیه و بدون امریکا. به همین منظور، حتا اگر یک عسکر امریکایی در افغانستان وجود نداشته باشد، امریکا حداقل در آینده‌های نزدیک نفوذ خود در افغانستان را هم‌چنان حفظ خواهد کرد، فرقی نمی‌کند که رییس جمهور امریکا ترمپ باشد، بایدن و یا هر شخص دیگر.

اقدام‌های مقطعی و توییت‌های غیرمنتظره تنها تأثیری که بر حکومت و جامعه افغانستان دارد، افزایش فشار روانی است تا حکومت و جامعه را به قبول آن‌چه امریکایی‌ها می‌خواهند، بدون کم‌وکاست، وا دارد. در این‌جا مسوولیت حکومت افغانستان به عنوان تنها نهاد مسوول سرنوشت افغانستان، این است که با یک دید استراتژیک سعی کند منافعش را منطبق به تحولات جهانی دنبال کند. به این منظور اگر می‌خواهد نظام سیاسی و دست‌آوردهای موجود حفظ شود، دیپلماسی منحصر به صلح را به دیپلماسی جنگ و صلح تبدیل کند و کشورهای ذی‌نفع در افغانستان را قانع سازد که افغانستان را همان‌گونه که در صلح حمایت می‌کنند، در میدان نبرد نیز حمایت کنند.



بخش اول

◆ مرتضی محقی، استاد دانشگاه و دانشجوی دکتری حقوق خصوصی - murtaza.mohiqi@gmail.com

چاپ نخستین آگهی بازرگانی در مطبوعات می‌گذرد. فروش قهوه، موضوع نخستین آگهی تاریخ تبلیغات تجاری بود که در سال ۱۶۵۲م. در مطبوعات به چاپ رسید، ولی ۱۵۰ سال است که با شروع کار نهادهای تبلیغاتی، آگهی تجاری از شکل اطلاع‌رسانی و رفع نیاز، به حرفه‌ای سودآور بدل شده و از دهه ۱۹۲۰م، دانشمندان علوم اجتماعی را نیز به یاری طلبیده است. پس از ورود محققان علوم اجتماعی به عرصه تبلیغات و آگاهی به میزان تأثیرگذاری آن، سیل انتقادات به سوی آن سرازیر شد. اختراع تلویزیون، نقطه درخشانی در تاریخ تبلیغات تجاری به شمار می‌آید. قدرت و محبوبیت تلویزیون، خیلی زود سبب شد که این وسیله به عنوان مهم‌ترین رسانه تبلیغاتی مورد هجوم شرکت‌ها قرار گیرد و تبلیغات انواع کالا و خدمات، از طریق آن انجام گیرد. از آن پس، به همان مقدار که استفاده از تلویزیون به عنوان رسانه تبلیغاتی بیش‌تر شد، میزان موارد غیراخلاقی موجود در تبلیغات تجاری تلویزیون و انتقادات وارد بر آن نیز بیش‌تر و پرنگ‌تر می‌شد. ادامه دارد...

حقوق مخاطب در تبلیغات تجاری

حقوق مخاطب به عنوان یکی از شاخه‌های «حقوق رسانه»، شامل مجموعه حق‌های ارزشمندی است که امروزه با گسترش رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و روش‌های تبلیغاتی بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. در چارچوب حقوق ارتباط جمعی هر یک از شهروندان اعم از اشخاص حقیقی و حکمی و گروه‌های مختلف (سیاسی، فرهنگی، مذهبی و ...) به نحوی مخاطب رسانه‌های همه‌گانی هستند و در این راستا از حقوقی برخوردار اند که ما می‌توانیم آن را تحت عنوان حقوق مخاطب توصیف کنیم.

حقوق مخاطب از جمله حقوقی است که به دلیل گسترش کمی و کیفی رسانه‌های گروهی در سالیان اخیر مورد توجه صاحب‌نظران حوزه حقوق و رسانه قرار گرفته است. اهمیت این حقوق زمانی دوچندان می‌شود که نقض آن‌ها عواقب منفی بسیاری بر حیثیت و شخصیت افراد وارد می‌کند. از جمله این حقوق حق احترام به حریم خصوصی و حق دریافت اطلاعات صحیح و... می‌باشد. بنا بر این، حقوق مخاطب مجموعه‌ای از حق‌ها و امتیازاتی است که قانون‌گذار برای مخاطب در نظر گرفته است. مخاطب رسانه‌ای به طور کلی به خواننده‌گان، بیننده‌گان و شنونده‌گان شبکه‌های رسانه‌ای و یا هر محتوا و نمایشی گفته می‌شود. از دیدگاه رسانه‌ای مخاطب در عین حال

که واژه‌ای ساده به نظر می‌رسد، اما به صورت روزافزون در حال دگرگونی، پیچیده و متنوع شدن است. مخاطب رسانه‌های جمعی، غالباً به صورت پراکنده، غیرمستقیم و غیرقابل مشاهده هستند و بسته به نوع رسانه متفاوت‌اند. گاه به صورت مستقیم ببینند، شنونده و خواننده هستند و گاه به صورت غیر مستقیم در معرض پیام قرار می‌گیرند اما در هر حال مخاطب رسانه که شخص حقیقی و یا حکمی است به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در معرض پیام قرار می‌گیرد.

سیر تاریخی تبلیغات تجاری

آن‌چه امروزه تبلیغ بازرگانی نامیده می‌شود، پیشینه‌ای به اندازه تاریخ زنده‌گی اجتماعی بشر و پیدایش دادوستد در میان آنان دارد. به درستی معلوم نیست که چند قرن از هم‌زیستی آدمیان می‌گذرد، اما این تاریخ طولانی هر اندازه که باشد، بدون دادوستد نبوده و نمی‌توانسته باشد. حتا در زمانی که انسان‌ها، دوران زنده‌گی بدوی و ساده خود را می‌گذراندند و افراد آن‌چه را افزون بر نیاز خود داشتند، می‌دادند و در عوض آن‌چه را می‌خواستند می‌گرفتند. طبیعی است که برای این کار ناچار بودند آن‌چه را دارند به دیگران اعلان کنند. این عمل موجب (تبلیغ) درباره اوصاف و مزایای (متقاعد) دیگران به درخواست مطالبه آن کالا شده

و ترغیب می‌شدند که با دادن کالای اضافی خودشان، آن را به دست آورند. این اطلاع‌رسانی دوطرفه که البته به شکل ابتدایی و سنتی صورت می‌گرفت، اقدامات اولی تبلیغات تجاری بود و نوعی پیام بازرگانی محسوب می‌شد؛ آثار تبلیغاتی بازرگانی را در اعماق تاریخ این چنین جست‌وجو کرده‌اند. برخی باستان‌شناسان کتیبه‌هایی (سنگی) به زبان یونانی یا مصری یافته‌اند که پس از تلاش بسیار برای ترجمه آن‌ها دریافته‌اند که این نوشته‌ها چیزی بیش از یک اعلامیه برای جلب مشتری در مورد فروش یک کالا یا اقامت شبانه در یک مهمان‌خانه‌ی خاص نیست. حک پيامی بازرگانی بر صخره‌هایی که بر سر راه بازرگانان قرار داشت، در تاریخ فنیقی‌ها نیز سابقه دارد. با این حال اختراع صنعت چاپ را باید آغاز انقلابی در عرصه تبلیغات بازرگانی به شمار آورد. در این مرحله شیوه‌های سنتی جای خود را به روش‌های مدرن بازاریابی داده و به موزات پیدایش و گسترش گونه‌های جدید، رسانه‌های ارتباط جمعی متحول و کامل شدند. اکنون تبلیغات تجاری با بهره‌گیری از رسانه‌های نوینی که با شتابی حیرت‌انگیز روزبه‌روز متنوع‌تر و مؤثرتر می‌شوند، دیگر یک اطلاع‌رسانی ساده برای پیوند مصرف‌کننده‌گان و تولیدکننده‌گان محسوب نمی‌شود، بلکه واقعیتی است که بر همه عرصه‌های زنده‌گی اجتماعی انسان و بر خود او تأثیرات عمیق و بنیادین برجای می‌گذارد. نزدیک به ۳۵۰ سال از

استراتژی امنیت ملی ایالات متحده امریکا

امریکایی‌ها در تحکیم، تثبیت و تعمیق هژمونی خود بر جهان، در سال نخست این دهه، اولین گام را برداشته و «جرج بوش» نظم نوین جهانی را رواج داد. وی پس از تهاجم عراق به کویت در ۲ اگست ۱۹۹۰، آرام آرام به گسترش نظم مورد نظر همت نهاد. در این رویکرد، تلاش ایالات متحده در دستیابی به آقایی جهان و تثبیت جایگاه خود برای دستیابی به «هدف مقدس امریکایی» بود.

بابک فرهنگی، ابوالقاسم راه‌چمنی ترجمه گردیده و به واسطه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است.

[۴]. استراتژی امنیت ملی سایبری ایالات متحده امریکا ۲۰۱۸، این کتاب توسط کاخ سفید نوشته شده و توسط سمیرا لطفی نوکنده ترجمه شده و انتشارات پشتیبان برای اولین بار در سال ۱۳۹۷ آن را چاپ و نشر کرده است.

[۵]. استراتژی اطلاعات ملی ایالات متحده امریکا ۲۰۱۹، این کتاب توسط سازمان اطلاعات ملی امریکا نگاشته شده، توسط سمیرا لطفی نوکنده ترجمه گردیده و انتشارات پشتیبان برای اولین بار در بهار سال ۱۳۹۸ آن را منتشر کرده است.

[۶]. در سال ۲۰۱۷، سند دیگری توسط ترمپ تحت عنوان «استراتژی امنیت ملی امریکا» ارائه شد.

[۷]. منظور از سند استراتژیک همان «استراتژی امنیت ملی امریکا است که الزامی به ارائه آن به کنگره می‌باشد».

واترینکلز) ایالات متحده امریکا، رؤسای جمهور آن کشور استراتژی امنیت ملی امریکا را به عنوان سند راهبردی و استراتژیکی منتشر و عملیاتی نموده‌اند که می‌توان از استراتژی امنیت ملی امریکا در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۶، بوش پسر ۲۰۱۰، ۲۰۱۴ اواما و [۲] ۲۰۱۷ ترمپ در این زمینه یادآور شد. مهم‌ترین سند امنیت ملی امریکا همان استراتژی امنیت ملی امریکا در قرن بیست و یک [۳] است که توسط کمیسیون موظف تدوین و در سال ۲۰۰۱ منتشر شده است. اولین ترجمه‌ی این سند که ۴۷۷ صفحه را احتوا می‌کند، توسط ۱۴ عضو و ۲۹ همکار در قالب کمیسیون متخصص و آگاه، در طول چند سال تحقیق و تلاش، تهیه و بیرون داده شده است. در حقیقت، می‌توان گفت که این کار یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های تحقیقاتی در ختم قرن بیستم می‌باشد و به قاطعیت می‌توان ادعا کرد که تمام اسناد امنیتی ایالات متحده امریکا و سایر کشورهای هم‌سو و رقیب در طول قرن بیست و یکم میلادی، متأثر از این سند خواهند بود. استراتژی امنیت ملی سایبری ایالات متحده امریکا [۴] و استراتژی اطلاعات ملی ایالات متحده امریکا [۵] از دیگر اسناد امنیتی امریکا هستند که در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ منتشر شده‌اند.

[۱]. نویسنده و پژوهش‌گر، رییس اتحادیه حقوقدانان و رییس عدلیه‌ی ولایت غزنی.
Aziz431@yahoo.com

[۲]. استراتژی امنیت ملی ایالات متحده امریکا ۲۰۱۷، این کتاب توسط سید ابوالفضل خاتمی گردآوری و ترجمه شده و انتشارات پشتیبان برای اولین بار در زمستان ۱۳۹۶ آن را منتشر کرده است.

[۳]. استراتژی امنیت ملی امریکا در قرن ۲۱، این کتاب توسط «کمیسیون تدوین استراتژی امنیت ملی امریکا» نوشته شده، توسط جلال دهمشگی،

امریکایی‌ها در تحکیم، تثبیت و تعمیق هژمونی خود بر جهان، در سال نخست این دهه، اولین گام را برداشته و «جرج بوش» نظم نوین جهانی را رواج داد. وی پس از تهاجم عراق به کویت در ۲ اگست ۱۹۹۰، آرام آرام به گسترش نظم مورد نظر همت نهاد. در این رویکرد، تلاش ایالات متحده در دستیابی به آقایی جهان و تثبیت جایگاه خود برای دستیابی به «هدف مقدس امریکایی» بود. طرح نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها از سوی هانتینگتون، نظریه‌ی پایان تاریخ از سوی فوکویاما و طرح مبارزه با تروریسم از سوی سیا به مدیریت «تننت»، رییس وقت سازمان سیا، حلقه‌ی تکمیلی این برنامه را شکل می‌بخشیدند؛ بنا بر این، برخلاف دوران جنگ سرد و سیاست سد نفوذ و بازدارنده‌گی، سیاست جدید متضمن تعهدی بی‌پایان به مداخله‌ی نظامی نبود؛ بلکه بر اساس «مکتب هامیلتون» خود را متعهد به گسترش اصول و ارزش‌های امریکایی در سطح جهان می‌دانست. از آن‌جا که این تعریف جدید از منافع ناشی از ملاحظات مربوط به بنیان‌های اقتصادی امنیت ملی و اجتناب‌ناپذیری گسترش مردم‌سالاری مبتنی بر بازار آزاد است، وظیفه‌ی اصلی در برنامه‌ریزی سیاست‌ها، اولویت‌بندی و گزینش را پیش روی می‌نهاد. در مجموع، سیاست پایان جنگ سرد، ضرورت ایجاد دکترین جدید برای برآوردن نیازمندی‌های متغیر امنیت ملی ایالات متحده امریکا را بیش‌تر ساخته بود و دولت «بیل کلینتون» بی‌آن‌که با رقیبی جدی مواجه باشد، به تقویت تجارت، گسترش روابط اقتصادی با کشورهای دیگر، تلاش‌هایی در راستای مقابله با گسترش سلاح‌های هسته‌ای، مداخله‌های بشردوستانه و چندجانبه‌گرایی پرداخت. این دهه که شامل صلح نسبی و پیشرفت امریکا بود، یک دکترین امنیت ملی فراگیر را که بر تمام فرایندها و جریان سیاست‌گذاری حاکم باشد، به وجود نیاورد تا آن‌که با وقوع حادثه‌ی یازدهم سپتامبر، حرکت جدی در این زمینه آغاز شد. این حرکت توانست از حوادث دهه‌ی ۹۰ میلادی به بهترین نحو بهره‌برداری کند (نائینی، ۱۳۸۷-۱۳۸۸: ۳۸).

امریکایی‌ها در تحکیم، تثبیت و تعمیق هژمونی خود بر جهان، در سال نخست این دهه، اولین گام را برداشته و «جرج بوش» نظم نوین جهانی را رواج داد. وی پس از تهاجم عراق به کویت در ۲ اگست ۱۹۹۰، آرام آرام به گسترش نظم مورد نظر همت نهاد. در این رویکرد، تلاش ایالات متحده در دستیابی به آقایی جهان و تثبیت جایگاه خود برای دستیابی به «هدف مقدس امریکایی» بود. طرح نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها از سوی هانتینگتون، نظریه‌ی پایان تاریخ از سوی فوکویاما و طرح مبارزه با تروریسم از سوی سیا به مدیریت «تننت»، رییس وقت سازمان سیا، حلقه‌ی تکمیلی این برنامه را شکل می‌بخشیدند؛ بنا بر این، برخلاف دوران جنگ سرد و سیاست سد نفوذ و بازدارنده‌گی، سیاست جدید متضمن تعهدی بی‌پایان به مداخله‌ی نظامی نبود؛ بلکه بر اساس «مکتب هامیلتون» خود را متعهد به گسترش اصول و ارزش‌های امریکایی در سطح جهان می‌دانست. از آن‌جا که این تعریف جدید از منافع ناشی از ملاحظات مربوط به بنیان‌های اقتصادی امنیت ملی و اجتناب‌ناپذیری گسترش مردم‌سالاری مبتنی بر بازار آزاد است، وظیفه‌ی اصلی در برنامه‌ریزی سیاست‌ها، اولویت‌بندی و گزینش را پیش روی می‌نهاد. در مجموع، سیاست پایان جنگ سرد، ضرورت ایجاد دکترین جدید برای برآوردن نیازمندی‌های متغیر امنیت ملی ایالات متحده امریکا را بیش‌تر ساخته بود و دولت «بیل کلینتون» بی‌آن‌که با رقیبی جدی مواجه باشد، به تقویت تجارت، گسترش روابط اقتصادی با کشورهای دیگر، تلاش‌هایی در راستای مقابله با گسترش سلاح‌های هسته‌ای، مداخله‌های بشردوستانه و چندجانبه‌گرایی پرداخت. این دهه که شامل صلح نسبی و پیشرفت امریکا بود، یک دکترین امنیت ملی فراگیر را که بر تمام فرایندها و جریان سیاست‌گذاری حاکم باشد، به وجود نیاورد تا آن‌که با وقوع حادثه‌ی یازدهم سپتامبر، حرکت جدی در این زمینه آغاز شد. این حرکت توانست از حوادث دهه‌ی ۹۰ میلادی به بهترین نحو بهره‌برداری کند (نائینی، ۱۳۸۷-۱۳۸۸: ۳۸).

یکی از مهم‌ترین سند راهبردی ایالات متحده که در سال ۲۰۰۱ تحت عنوان «استراتژی امنیت ملی ایالات متحده امریکا در قرن بیستویک» ارائه شد؛ در نوع خود تحقیق و تدوین این سند از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین پروژه‌های تحقیقاتی و استراتژیکی قرن بیستویک می‌باشد.

استراتژی امنیت ملی امریکا چگونه تدوین و ارائه می‌شود؟

با نگاهی بر اسناد موجود در زمینه‌ی امنیت ملی، در طول تاریخ سیاسی ایالات متحده امریکا، استراتژی امنیت ملی امریکا به دو طریق تدوین و عملیاتی شده است: (۱) یا به صورت نقشه‌ی راه و سند راهبردی با تحلیلی عمیق از اوضاع آینده و عوامل تأثیرگذار بر امنیت ملی امریکا و جهان تهیه و تدوین شده است که در این مورد می‌توان از استراتژی امنیت ملی امریکا در قرن بیست و یک نام برد. (۲) یا بر اساس قانون(گلد-



Aga Khan Agency for Habitat

Tender Announcement

The Aga Khan Agency for Habitat-Afghanistan (AKAH-A) invites bids/tenders from the qualified consultancy firms for "Conducting Needs Assessment and Development of Demand Generation".

Expectations

- Demonstrable experience, financial capacity and staff capability to achieve the consultancy objectives
- Creativity in project design, and identification of other relevant tasks as part of the report
- A financial proposal in local currency/AFA or USD. All proposals are deemed valid for 45 days, and cost estimates must be inclusive of all taxes
- The bid security should be valid for two (2) months until the bids evaluation is completed

Duration

The duration of the project is expected to be 60 days (02 Months including all days) right from the issuing of Notice to Proceed (NTP/Lol) (01 November 2020- 30 December 2020).

Process

Interested applicants are requested to collect Request for Proposals (RFP) applications from AKAH's Operation Department from addresses listed below in Kabul or electronically from email listed below. Please request an RFP with an official request letter from the company and a copy of AISA certificate or company registration certification strating from the announcement date. Or, the RFP can be requested electronically by sending a request to below email addresses along with a scanned copy of said licenses/certifications and introduction letter.

Required documents and information

The company is expected to provide the following documents and information or the document mentioned in RFP:

- Technical proposal including methodology of the work
- Financial proposal with the cost breakdown as per shared formate in RFP
- Recent three years audit reports, bank details and guarantee amount confirmation
- List of similar projects undertaken by company including supporting data for 5 most relevant examples
- Resumes of the technical team who will be involved in the consultancy
- Details and profile of the consultancy firm
- Detailed schedule of work and workbradown and timeline for each deliverables
- Evidence/copies of required certifications, licenses and credentials of consultancy
- Clear list of requirements/data/role from Aga Khan Agency for Habitat (AKAH) for the project
- Signed PRF accepting terms and condition mentioned
- Submission of 2% of the total bid price against the bid security (only Bank Guarantee will be accepted).

Criteria:

- Proponents must acknowledge and understand the procurement rules, regulations, and procedures of the owner (Aga Khan Agency for Habitat) and the government of Islamic Republic of Afghanistan
- Prices should be all inclusive of taxes
- Valid account number and bank card would be required should the Proponent is selected
- Payment by the Owner will be through bank transfer only
- Questions or clarifications can be submitted via email to wali.shahizada@akdn.org or at the Pre-Bid meeting.

How to Apply:

Applicants (National/International) must submit bids in sealed envelopes or Password protect folders electronically to Kabul Office or email address below no later than 4:00pm (local time) on October 24, 2020 to the address below. **Bid opening meeting will be held on October 26, 2020 in AKAH Office in Kabul at 2:00pm**, and all bidders are invited to participate.

Wali Shahizada - wali.shahizada@akdn.org

Admin Department mobile: +93 799806108

Office addresses:

Kabul Office: Street 10,, Qala-e-Fatullah, District 10, Kabul

هشدار ارتش به طالبان: اگر صلح نکنید کشته می شوید

دارند. به باور آنان نیروهای امنیتی در این ولایت در حالت دفاعی هستند و همین باره سبب افزایش ناامنی در این ولایت شده است. نثار احمد کوهین، کنش گر مدنی در غور، به روزنامه ۸ صبح می گوید حضور طالبان در بزرگراه های این ولایت به شدت افزایش یافته و نیروهای امنیتی در مسیرهای طولانی حضور ندارند. به باور او، طالبان در برخی روستاها که حدود ۲۰ کیلومتر از مرکز غور فاصله دارد، پاسگاه و ایست های بازرسی دارند. در حالی که نماینده گان حکومت و طالبان در شهر دوحه قطر، روی به میان آمدن صلح در کشور گفت و گو می کنند، اما طالبان در این اواخر حملات شان بر مواضع نیروهای امنیتی در کشور را افزایش داده اند و با حضور در بزرگراه ها، مشکلاتی را برای ساکنان ولایات حوزه غرب کشور ایجاد کرده اند.

زمینه وجود ندارد و مسیرهای رفت و آمد غور - هرات و بادغیس - هرات به روی مردم باز و امنیت بزرگراه ها تأمین است. اما کنش گران مدنی در ولایت غور از افزایش ناامنی در این ولایت شکایت دارند و تأکید می کنند که طالبان در دو کیلومتری شهر فیروز کوه مرکز این ولایت حضور

به میان آمدن صلح و پایان جنگ، لحظه شماری می کنند و اگر طالبان به صلح تن ندهند، حتماً کشته می شوند. عبدالرووف ارغندیوال، فرمانده نیروهای ارتش در غرب کشور، تأکید می کند که همین اکنون امنیت در چهار ولایت غربی کشور قناعت بخش است و جز فعالیت اندک طالبان در برخی از مناطق دور دست، مشکلی در این



مقام های امنیتی در غرب کشور از آماده گی ها برای تأمین امنیت این حوزه خبر می دهند. آنان باور دارند که نیروهای امنیتی کشور، پس از خروج نیروهای امریکایی، توانایی تأمین امنیت ولایات غربی کشور را دارند و اجازه نمی دهند که طالبان آرامش مردم را برهم بزنند. بر پایه اطلاعات مقام های ارتش در غرب کشور، پس از راه اندازی عملیات های پاک سازی در مناطق ناامن، همین اکنون وضعیت امنیتی در چهار ولایت غربی بهتر شده است.

کنش گران مدنی در ولایت بادغیس می گویند پس از عملیات نیروهای امنیتی در این ولایت، وضعیت بهتر شده و مسیر رفت و آمد برخی از ولسوالی ها، که در گذشته با حضور طالبان بسته و یا ناامن شده بود، اکنون باز شده و از امنیت نسبی برخوردار است. به باور آنان کار بنیادی برای پایدار شدن امنیت در این ولایت نشده و طالبان در فاصله های دورتر از گذشته حضور دارند.

از سوی هم، کنش گران مدنی غور، در این باره می گویند که مسوولان امنیتی برنامه ای مشخص برای برقراری امنیت در این ولایت ندارند و طالبان در فاصله دو کیلومتری شهر فیروز کوه مرکز این ولایت، حضور گسترده دارند. به گفته ی آنان، طالبان پیش از این در روستاهای نزدیک شهر فیروز کوه حضور داشتند که با واکنش نیروهای «کماندوی ارتش» مجبور به ترک آن ساحه شدند و با ایجاد ایست های بازرسی در فاصله دورتر، مسیرهای رفت و آمد مردم به مرکز این ولایت را ناامن کرده اند.

اما کنش گران مدنی در ولایت بادغیس، اوضاع فعلی این ولایت را نسبت به گذشته بهتر توصیف می کنند و تأکید دارند که پس از عملیات پاک سازی برخی مناطق و مسیرهای رفت و آمد امن تر شده است.

جنیدالله اشکانی، کنش گر مدنی در ولایت بادغیس، در صحبت با ۸ صبح می گوید از یک هفته به این سو وضعیت امنیتی در این ولایت بهتر است، اما مردم هنوز هم از ترس طالبان به خارج از ولایت سفر نمی کنند. او تأکید می کند نیروی کافی در این ولایت هست، اما مقام های ارشد امنیتی در این ولایت مدیریت درستی ندارند و همین باره سبب افزایش ناامنی ها در بادغیس می شود.

به گفته ی او، نیروهای امنیتی در مسیر ولسوالی ها و بزرگراه ها حضور ندارند و طالبان هر وقت خواسته باشند مناطق زیر کنترل دولت را ناامن می کنند. این فعال مدنی بر این باور است که نیروهای امنیتی در بادغیس کار ریشه ای انجام ندادند و طالبان با حضور دوباره در مناطق مسکونی و مسیرهای رفت و آمد، به آزار و اذیت مردم ادامه می دهند.

مقام های ارشد امنیتی در غرب کشور به طالبان و افرادی که آرامش مردم این حوزه را برهم می زنند، هشدار می دهند که هیچ گاه نیروهای امنیتی در این حوزه مجال نفس کشیدن را به آنان نخواهند داد. عبدالرووف ارغندیوال، فرمانده قول اردوی ۲۰۷ ظفر در غرب کشور، در مراسم فراغت ۵۰۰ تن از نیروهای تازه نفس کماندو که قرار است در چهار ولایت غربی کشور گماشته شوند، از طالبان خواست تا تفنگ های شان را بر زمین بگذارند، در غیر آن کشته خواهند شد.

او خطاب به نیروهای تحت امرش گفت، اگر طالبان در مقابل شما جنگ را انتخاب کردند، آن ها را نابود کنید و نگذارید که امنیت مردم این ولایت را برهم زنند. فرمانده قول اردوی ۲۰۷ ظفر، تأکید می کند که طالبان در این حوزه توان رویارویی با نیروهای امنیتی را ندارند و با حملات چریکی، انتحاری و انفجاری در شهرها و مناطق مسکونی، قصد ایجاد وحشت در بین مردم را دارند. وی افزود: «نیروهای امنیتی کشور پس از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، توانایی دفاع از کشور را دارند و با مدرن ترین تجهیزات جنگی، آموزش های حرفه ای فراگرفته اند و خواب را از چشمان مخالفان مسلح دولت می ربایند.»

فردین سپاه، فرمانده نیروهای کماندوی ارتش، به مردم اطمینان می دهد که همین اکنون نیروهای ارتش بدون همکاری نیروهای خارجی، تمام عملیات های هوایی و زمینی را در غرب کشور مدیریت می کنند و جای هیچ نگرانی نیست، او اضافه می کند که نیروهای امنیتی برای



Aga Khan Agency for Habitat Tender Announcement

The Aga Khan Agency for Habitat-Afghanistan (AKAH-A) invites bids/tenders from the qualified consultancy firms for the "Development of Awareness-raising and Communication Strategy and Awareness-raising and Communication Products/Materials".

Expectations

- Demonstrable experience, financial capacity and staff capability to achieve the consultancy objectives
- Creativity in project design, and identification of other relevant tasks as part of the report
- A financial proposal in local currency/AFA or USD. All proposals are deemed valid for 45 days, and cost estimates must be inclusive of all taxes
- The bid security should be valid for two (2) months until the bids evaluation is completed

Duration

The duration of the project is expected to be 60 days (02 Months including all days) right from the issuing of Notice to Proceed (NTP/LoI) (01 November 2020- 30 December 2020).

Process

Interested applicants are requested to collect Request for Proposals (RFP) applications from AKAH's Operations Department from addresses listed below in Kabul or electronically from email listed below. Please request an RFP with an official request letter from the company and a copy of AISA certificate or company registration certification strating from the announcement date. Or, the RFP can be requested electronically by sending a request to below email addresses along with a scanned copy of said licenses/certifications and introduction letter.

Required documents and information

The company is expected to provide the following documents and information or the document mentioned in RFP:

- Technical proposal including methodology of the work
- Financial proposal with the cost breakdown as per shared formate in RFP
- Recent three years audit reports, bank details and guarantee amount confirmation
- List of similar projects undertaken by company including supporting data for 5 most relevant examples
- Resumes of the technical team who will be involved in the consultancy
- Details and profile of the consultancy firm
- Detailed schedule of work and workbradown and timeline for each deliverables
- Evidence/copies of required certifications, licenses and credentials of consultancy
- Clear list of requirements/data/role from Aga Khan Agency for Habitat (AKAH) for the project
- Signed PRF accepting terms and condition mentioned
- Submission of 2% of the total bid price against the bid security (only Bank Guarantee will be accepted).

Criteria:

- Proponents must acknowledge and understand the procurement rules, regulations, and procedures of the owner (Aga Khan Agency for Habitat) and the government of Islamic Republic of Afghanistan
- Prices should be all inclusive of taxes
- Valid account number and bank card would be required should the Proponent is selected
- Payment by the Owner will be through bank transfer only
- Questions or clarifications can be submitted via email to wali.shahizada@akdn.org or at the Pre-Bid meeting.

How to Apply:

Applicants (National/International) must submit bids in sealed envelopes or Password protect folders electronically to Kabul Office or email address below no later than 4:00pm (local time) on October 24, 2020 to the address below. **Bid opening meeting will be held on October 26, 2020 in AKAH Office in Kabul at 10:00am**, and all bidders are invited to participate.

Wali Shahizada - wali.shahizada@akdn.org

Admin Department mobile: +93 799806108

Office addresses:

Kabul Office: Street 10,, Qala-e-Fatullah, District 10, Kabul



روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا

صفحه آرایی: رضا مرادی
مسوول رسانه های اجتماعی: نور علی فرحت
ویدیو: محمد نصیر کاوشگر
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۷۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.

صاحب امتیاز: سانجر سهیل
مدیر مسوول: معجب مهرداد
معاون مدیر مسوول: وحید پیمان
خبرنگاران: خلیل اسیر، عبدالاحمد حسینی، علی شاه حتمل، حبیب بهش
ویراستار: محمد حسین نیک خواه، خلیل رسولی
علی نظری، سن. نوین

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad mujib_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

نسخه پیشرفته بکسک ازی پی (AZIPAY)

عزیزی بانک
Azizi Bank

عزیزی بانک برنامه پیشرفته میابلی (AZI PAY) خود را معرفی کرده است که تمام ویژگی‌های پیشرفته جدید مانند ورود با بیومتریک، شناخت چهره، سهولت چندین زبان (پشتو، دری و انگلیسی) استفاده از دالر امریکایی، دیدن صورت حساب و صورت حساب کوتاه، برداشت پول از ماشین خودپرداز صرافتی، ارسال پول به شماره موبایل و اخذ آن از ماشین‌های اتومات صرافتی، اضافه کردن کربنت به میابلی، پرداخت بل را دارا میباشند.

لطفا نسخه جدید ازی پی را از اپستور و پلی ستور دونلود (بارگیری) نمایید. برای معلومات بیشتر به شماره 24 ساعته 1515 به تماس شوید

1515

www.azizibank.af

زنده‌گی تاریک در خنجان؛

بیش تر مردم در زیر پایه‌های هزار میگاواتی از روشنی محروم‌اند

اعجاز الحق سامی

بیش تر مردم در ولسوالی خنجان، از نبود برق شاکی‌اند و می‌گویند با وجودی که سه پروژه بزرگ برق وارداتی تاجیکستان، اوزبیکستان و ترکمنستان از این ولسوالی می‌گذرند، اما آنان همچنان در تاریکی زنده‌گی می‌کنند. به گفته‌ی باشندگان این ولسوالی، از میان ۱۰ هزار خانواده‌ای که در خنجان زنده‌گی می‌کنند، تنها حدود یک هزار و ۵۰۰ خانواده در بازار ولسوالی از برق وارداتی استفاده می‌کنند. سایر باشندگان خنجان یا برق ندارند و یا از برق‌های کوچک تجارتي و انرژی حرارتي تنها برای روشن کردن خانه‌هایشان استفاده می‌کنند. مسوولان در شرکت برشنا می‌گویند که تنها توزیع برق به مرکز ولسوالی خنجان توصیه شده و کار توزیع برق به ساحات دیگر این ولسوالی در طرح توسعه‌ای شبکۀ گنجانیده شده است. با این حال زمان دقیق آغاز کار عملی این پروژه تا هنوز معلوم نیست. بر اساس گفته‌های یک منبع در ریاست برشنای بغلان، ولسوالی خنجان به ویژه مسیر شاهراه سالنگ در سال ۱۳۹۶ سروی و نتیجه آن به مرکز فرستاده شده است، اما سه سال است که درخواست مردم این ولسوالی روی میز برشنا قرار دارد و به آن رسیده‌گی نشده است. مردم این ولسوالی هشدار می‌دهند که اگر به مشکل برق این ولسوالی از سوی حکومت رسیده‌گی نشود، دست به اعتراضات گسترده زده و شاهراه سالنگ را خواهند بست.

باشنده‌گان ولسوالی خنجان ولایت بغلان از نبود برق در این ولسوالی به ستوه آمده‌اند. بر بنیاد گفته‌های مردم این ولسوالی، سه پروژه بزرگ برق وارداتی تاجیکستان، اوزبیکستان و ترکمنستان (که کار پروژه آن در جریان است) از این ولسوالی می‌گذرند، اما هنوز به آنان برق داده نشده است. غلام‌سخی محمدی، باشنده‌ی خنجان، می‌گوید زمستان این ولسوالی که در هم‌جواری سالنگ‌ها قرار دارد، سرد است و مردم از آن جایی که این ولسوالی برق ندارد، معمولاً از چوب جنگلات برای گرم کردن خانه‌هایشان استفاده می‌کنند. باشنده‌گان این ولسوالی همچنان به ۸ صبح می‌گویند که حدود سه سال قبل درخواست دسته‌جمعی را

در این مورد به ریاست برشنا فرستاده‌اند. به گفته‌ی آنان، شرکت برشنا پس از بررسی‌ها، نتایج سروی برق این ولسوالی را به مرکز فرستاده است، اما از آن زمان تاکنون هیچ کاری در این راستا صورت نگرفته است.

از سوی دیگر مردم در «دره سالنگ شمالی» نیز می‌گویند که با عبور پایه‌های برق پروژه‌های بزرگ از مزرعه و باغ‌هایشان، خسارات مالی و حتا جانی را متحمل شده‌اند. با این حال آنان می‌گویند که در زیر پایه‌های برق هزار میگاواتی، در تاریکی غذای شبانه‌شان را صرف می‌کنند. مردم محل می‌افزایند، با آن‌که سال‌ها در رابطه به بی‌برقی به ریاست برشنا شکایت کرده و حتا دست به تظاهرات زده‌اند، اما از زمان آغاز انتقال برق از مسیر خنجان و سالنگ شمالی تا کنون هزاران خانواده در این ولسوالی، به ویژه در دره آن در تاریکی به سر می‌برند. مردم این ولسوالی هشدار می‌دهند که اگر روند توزیع برق به این ولسوالی به زودی آغاز نشود، دست به اعتراضات گسترده زده و شاهراه عمومی سالنگ را خواهند بست.

در همین حال، مسوولان محلی با تایید شکایت‌های مردم، می‌گویند که باشنده‌گان خنجان و باشنده‌گان برخی دیگر از نقاط اطراف آن، هنوز در زیر پایه‌های برق در تاریکی زنده‌گی می‌کنند. غلام‌صدیق بهین، ولسوال خنجان، می‌گوید که حدود هشت هزار و ۵۰۰ خانواده در سه دره‌ی این ولسوالی به برق دسترسی ندارند. به گفته‌ی او، سایر مردم از برق‌های تجارتي و سولری که صرفاً توانایی روشن کردن خانه‌هایشان را دارد، استفاده می‌کنند. ولسوال خنجان تصریح کرد که بر اساس سروی شرکت برشنا، خانواده‌هایی

که در بیست کیلومتری شاهراه سالنگ زنده‌گی می‌کنند، باید از برق وارداتی مستفید شوند. مسوولان ریاست برشنای ولایت بغلان اما تصریح می‌کنند که تنها توزیع برق به مرکز ولسوالی خنجان توصیه شده است. به گفته‌ی این نهاد، کار توزیع برق به دیگر نقاط این ولسوالی شامل طرح توسعه‌ای شبکۀ بوده، اما کار عملی روی آن تاکنون شروع نشده است. عبدالاول، مسوول شرکت برشنا در بغلان، به روزنامه ۸ صبح گفت که سروی در این مورد صورت گرفته و به مرکز فرستاده شده است. با این حال وی درباره آغاز کار عملی آن چیزی نگفت. در همین حال منابعی در ریاست برشنای بغلان با تایید ادعای مردم می‌گویند که کار سروی برق این ولسوالی در سال ۱۳۹۶ تکمیل و به مرکز فرستاده شده است.

از سوی هم محمدنسیم مدبر، نماینده‌ی بغلان در مجلس، به ۸ صبح گفت که در نشست با مسوولان برشنا، این نهاد وعده کرده است که در سال جاری کار روی انتقال برق به سه دره‌ی سالنگ شمالی، والیان و باج‌گاه ولسوالی خنجان آغاز خواهد شد. آقای مدبر اما می‌گوید که تاریخ دقیق شروع این کار مشخص نشده است. مسوولان شرکت برشنا اما درباره زمان دقیق آغاز این پروژه معلوماتی به دست نمی‌دهند. تنها موردی که این نهاد بر آن تاکید دارد، این است که کار انتقال برق به ساحات دیگر این ولسوالی شامل طرح توسعه‌ای شده است و کار اداری آن هنوز در مرحله تدارکاتی قرار دارد. مسوولان این ریاست می‌گویند که آنان بر اساس پالیسی‌شان به تمام ولایت‌ها و ولسوالی‌ها به صورت موزون توزیع برق را مد نظر دارند. هرچند باشنده‌گان در مورد آینده‌ی توزیع

برق در خنجان پرسش‌هایی را مطرح کرده‌اند، اما مسوولان شرکت برشنا پاسخی به آن ارایه نکردند.

در همین حال گفتنی است که تجهیزات برقی به شمول ۱۶ ترانسفارمر برای انتقال برق از سب‌استیشن «گزه‌گیل» به ولسوالی‌های اندراب خریداری شده است و کار روی آن به زودی آغاز خواهد شد. با این حال اما سرنوشت خنجان، ولسوالی‌ای که این سب‌استیشن در مجاورت آن قرار دارد، هنوز مبهم است. بر بنیاد دستورالعمل شرکت برشنا در مورد توزیع ترانسفارمرهای جدید، همه‌ی مراحل تهیه درخواست، سروی محل و تهیه ترانسفارمر و نصب آن در ساحه که از جمله مراحل توزیع برق است، از ۲۲ الی ۳۰ روز بیش تر نباید در بر بگیرد. این در حالی است که با وجود گذشت سه سال از سروی برق ولسوالی خنجان، مردم هنوز در تاریکی

زنده‌گی می‌کنند. مسیر شاهراه سالنگ شمالی در ولسوالی خنجان که نزدیک به دو هزار خانواده در آن زنده‌گی می‌کنند، یگانه مسیر تاریک است که از دل آن لاین پروژه‌های برق وارداتی تاجیکستان، اوزبیکستان و ترکمنستان (کار انتقال پروژه‌اش جریان دارد) به ولایت‌های مرکزی و جنوبی انتقال یافته است. گفتنی است که با استفاده از این لاین‌ها، نزدیک به هزار میگاوات برق به مرکز و ولایت‌های هم‌جوار آن فراهم می‌شود. بر اساس معلومات، افغانستان به شدت به برق وارداتی وابسته است و ۷۷ درصد برق آن از کشورهای تاجیکستان، اوزبیکستان، ترکمنستان و ایران وارد می‌شود. بدین ترتیب، سالانه به ارزش نزدیک به ۳۰۰ میلیون دالر برای تامین برق وارداتی کشور پرداخته می‌شود.

نخستین فلامینگو در سمنگان؛

روایتی چند رنگ از کابل و سمنگان تا گرانا‌دا

روینا شهابی

علنی و مشهود یک سیاست‌گر باهوش و باشعور که سعی داشته بیش از آنکه خسته‌گی‌ها و کلافه‌گی‌های سیاست را رنگ و روغن بزند و تحویل مخاطب بدهد، روح زنده‌گی سرشار از عشق و شادی و فرهنگ و زیبایی در لحظه زیستن و شاد زیستن را به خواننده هدیه کند. خواننده‌گانی که نویسنده نیک می‌داند از جنگ و خشونت به ستوه آمده‌اند و طاقت‌شان برای شنیدن خبرهای بد به سر رسیده است. او این کتاب را به چندین رنگ و بیان با نظم و نثر، با افسانه‌های کولیان اسپانیایی و رقص و موسیقی خاصی که به آن فلامینگو می‌گویند، و با تشبیهات دوست‌داشتنی از نزدیکی آدم‌های جهان آراسته و در دست مخاطب گذاشته است. بازنمایی‌های او از کابل و قندهار و سمنگان خالص و شگفت‌انگیز اند و شخص‌های ریالیستی که در کتاب به آن‌ها اشاره رفته قابل تامل و در خور توجه‌اند. تاکید نویسنده در گوشه‌گوشه کتابش از مهارت گلوبازان و اجرای این مراسم در اسپانیا گرفته تا تجربه‌ی شکار در سمنگان و پذیرایی مردمان فقیر اما قانع و دل‌گشاده‌ی آن، به امید بر زنده‌گانی و توجه به زیبایی‌ها و ظرافت‌های آن است. نویسنده کوشیده بگوید در رقص و آواز فلامینگوی کولیان اسپانیا و اتن وطنی، گلوبازی سرزمین‌های اروپایی و لاتین و بزکشی میهنی، شعرهای لورکا گرانا‌دایی و صحافی‌های صوفی عشق‌ری، همه و همه یک روح مشترک جریان دارد و آن روح ناب زنده‌گانی، فرهنگ، پذیرش و شادی است. سید طیب جواد پای‌بند ارزش‌های دنیای جدید است و انسانیت و آزادی را ارج می‌نهد. او در کتابش آزادانه و بدون ویرایش از علاقه‌های شخصی و لذت‌های فردی‌اش سخن به میان آورده که آموزنده است. و نهایتاً معلومات کتاب و فهمی که در مورد وضعیت اجتماعی - فرهنگی افغانستانی نه چندان دور به میان می‌آورد؛ هم‌چنان تجربه‌های متنوع زنده‌گی، از گوشه‌های دنیای غرب و در آمیختن آن به سبک سرزمین‌های شرقی می‌تواند برای خواننده‌ی نسل جدید بسا آگاهی‌بخش و در عین حال حائز اهمیت و لذت‌بخش باشد و بر بالنده‌گی ساختاری گفتمان روشن‌فکری ما بیفزاید.

دانش را در دانشگاه کابل که آن زمان یکی از مراکز علمی معتبر منطقه بود و هم‌چنین در مراکز علمی آلمان و امریکا سپری کرده است. وی دیپلمات چیره‌دست و ورزیده‌ای است که تجربه‌های فراوان و متنوع از سفرهای متعدد به نقاط جهان و آشنایی با فرهنگ و آداب مردمان ملل مختلف دارد که در کتاب قسمت‌هایی از آن را همراه با میل آشکارش به شبیه‌سازی زیبایی‌های جهان با شگفتی‌های کشورش بازتاب داده است. نویسنده‌ی کتاب سال‌ها است در خواستگاه سیاست حرکت کرده و قدم برداشته، اما این کتاب بر خلاف رویه‌ی معمول سیاست‌مداران کنونی که تنها خاطرات سیاسی‌شان را مکتوب می‌کنند، سرشار از رنگ و ذوق و قریحه ستودنی است و هیچ رنگ و لعاب سیاسی ندارد. نویسنده‌ی نخستین فلامینگو در سمنگان تا حدودی اگزستان‌سیالیست است و زنده‌گی در لحظه را دوست دارد. مضاف بر این که دیده‌گانی تیزبین و ذهنی خلاق و حساس دارد که ظرافت و لطافت زنده‌گی را به بهترین شکل ممکن می‌تواند منعکس کند. کتاب سرشار از رنگ و تجربه و زیبایی زیسته شده است. بخش‌هایی خاطرات ناب نویسنده را در بر دارد، قسمت‌های روایت‌گر علاقه‌ی شخصی نویسنده به شاعر و نمایش‌نامه‌نویس مشهور اسپانیایی «لورکا» و بیان دلایل این علاقه و شباهت‌های او با خودش و شخصیت‌های آزادی‌خواه و روشن‌ضمیر و بی‌پروای وطنی است. نویسنده در فصل سوم برخی از اشعارش را به مخاطب بخشیده که روح زنده‌گی‌خواه و پرشور او را به خوبی بازتاب می‌دهند. و در بخش‌های پایانی گزیده‌ای از ترجمه‌های خودش از اشعار فدريكو لورکا را همراه با توضیحاتی در مورد اشعار گنجانده است که لحن خاصی از گویش‌های کابلی قدیم را با خود دارد. شاید کتاب برای برخی‌ها شیوه‌ای نامتعارف داشته باشد، که نظم و نثر را به هم آمیخته و تابع قاعده نبوده است، اما روایت کتاب صادق است و جان‌مایه‌ی آن تجربیات

می‌نشسته‌اند و خون‌گرم و مهمان‌نواز بوده‌اند. متصل به همین روایت قندهاری، کابل افسون‌گر از قاب بیان نویسنده رخ می‌نماید. نویسنده در بیان کابل سخاوت و مهارت را در اختیار گرفته و با مرور خاطرات زیسته‌اش، دروازه‌های کابلی چنان فریبا و دل‌انگیز را مقابل چشمان بیننده باز می‌کند که محال است بتوان نخواننده از آن عبور کرد. کابل در کتاب سید طیب جواد روایت شهری است پذیرا و اهل مدارا و بخشش. سرشار از مهری تابنده که تمام گونه‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی - سیاسی را در قلب خود جا داده است. کابلی که در آن از جنگ و انتحار خبری نیست و مردمانش رمان‌های رنورد زریاب و صادق هدایت و محمود دولت‌آبادی را با شوق سیری‌ناپذیری می‌خوانند. کابلی که محصلان ساده‌دل و ساده‌زیستش از خوردن آیس‌کریم با قیف‌های بسکویی نهایت لذت را می‌برند و زنانش آزاد و آزاده زنده‌گی می‌کنند. کابلی که نویسنده تجربه کرده و حال به رشته‌ی تحریر درآورده، رادیو دارد، سینما دارد، دانشگاه معتبر و معیاری دارد، دارالو‌کاله و معلمان فرانسوی‌زبان، صوفی عشق‌ری با مناعت طبع، احمد ظاهر افسانه‌ای، میخانه و مسجد، مغازه‌های لوکس، سوپرمارکیت بزرگ حمیدی، مؤسسه نسوان، کافه‌های خواستنی، نشاط و جوانی و مجله‌های خارجی و بازارهای پر جنب‌وجوش و کتاب‌فروشی‌های پاکیزه و دوست‌داشتنی دارد که آدم‌ها را به ماجراجویی سوق می‌دهد و به زیستن در کابل علاقه‌مند می‌کند. نویسنده در «نخستین فلامینگو در سمنگان» کوشیده است تجربیات نابش از زنده‌گی در جاجای افغانستان را بدون ویرایش‌های خودخواهانه یا اغراق‌آمیز به مخاطب منتقل کند. در تمام بخش‌های کتاب دل‌بندی و پای‌بندی نویسنده به سرزمین مادری‌اش افغانستان محسوس است. او در جوار پدری صاحب سواد و استاد دانشگاه قد کشیده و درس و

یک روز جمعه‌ی اوایل پاییز است. از آن جمعه‌ها که میل آدمی تنها کتاب و چای سبز هل‌دار و یک گوشه دنج و آرام را می‌جوید. کتاب «بازمانده روز» از ایشی گورو را می‌خوانم. با خود وعده کرده‌ام که تا مطالعه یک کتاب تمام نشده، سراغ دیگری نروم اما ترک این عادت دیرینه به هیچ وجه برایم آسان نیست. از زمانی که خواندن آموخته‌ام همیشه دو یا سه کتاب را هم‌زمان با هم می‌خوانم و این شاید عادت ناپسندی باشد که البته خود بر آن واقف‌ام. القصه این‌که در حال خواندن بازمانده روز هستم که رنگ آبی روشن و تصویر زیبا و فریبنده پرقاصه‌ی فلامینگو روی جلد اثر تازه‌ی آقای «سید طیب جواد» مرا به سمت خود می‌کشد. عجب نام وسوسه‌انگیزی دارد این کتاب! «نخستین فلامینگو در سمنگان». کتاب ایشی گورو را موقتاً کنار می‌گذارم و این کتاب تازه منتشر شده را که چندی پیش طی محفلی با حضور سفیر جواد در کابل رونمایی شد، برمی‌دارم. نام کتاب شاید این ذهنیت را برای مخاطب ایجاد کند که محتوای کتاب حتماً با پرنده‌ای به نام فلامینگو مرتبط است. چیزی که از دریچه‌ی نگاه به ذهن خودم هم ورود کرده بود. اما وقتی کتاب را گشودم نویسنده مرا به دنیای دیگری برد. در آغازین برگ‌های کتاب قندهار زیبا که زادگاه نویسنده است، با زیبایی شگفت‌انگیزی پیش چشمم جان می‌یابد و قالب تصویر به خود می‌گیرد. قندهاری که حال بیش‌تر با انارش می‌شناسم و بس، اما به قلم نویسنده روزگاری نه چندان دور با پوی «سبب‌زرد تیرماهی و فالوده» معیادگاه فرهنگ بوده و محل گشت و گذار جهان‌گردان خارجی. هتل‌هایی دل‌چسب اما ارزان‌قیمت با گل‌های نسترن سفید و معطر داشته و سینما و جمعی از جوانان پرشور که علاقه‌مند بایسکل‌سواری بوده‌اند. شهری که مردمش در سینمای منزل باغ، هفته‌ای یکی دوبار فلم‌های امریکایی به تماشا